



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۱/۰۸/۳۰
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۷/۱۱
صص: ۵۰-۱۱

شاپا چاپی: ۱۰۲۵-۵۰۸۷
الکترونیکی: ۴۶۵۴-۴۹۷۱



DOR: 20.1001.1.10255087.1403.33.127.1.4

آینده پژوهی روابط ایران و جمهوری آذربایجان در افق ده سال آینده

هادی آقایی^۱ | محمد مبینی^۲

چکیده

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از بازیگران موثر در صحنه قفقاز جنوبی اشتراکات فراوانی با کشور جمهوری آذربایجان دارد. تاریخ، مذهب، مرزهای مشترک و نیز وجود اقوام خویشاوند در دو سوی مرز، پتانسیل‌های بسیار موثری در همگرایی دو طرف به شمار می‌روند که در مناسبات سایر دولت‌ها کم نظیر است. شواهد موجود نشان می‌دهد هر دو کشور آن چنان که باید در تنظیم مناسبات خود موفق نبوده‌اند. پرسش اصلی مقاله این است که آینده روابط ایران و جمهوری آذربایجان در افق ۱۰ سال آینده با چه سناریوهایی مواجه خواهد بود. در پاسخ به این مسأله و با با مرور ادبیات تحقیق، پیشینه روابط دو کشور مورد مطالعه قرار گرفت و ۲۰ عامل تاثیرگذار (قطعی و غیرقطعی) در روابط دو کشور استخراج شد و پس از طی مراحل هشت‌گانه سناریونویسی شوارتز، از میان ۱۲ سناریوی یافت شده، تعداد ۳ سناریوی مطلوب، ممکن و محتمل شناسایی شدند و نهایتاً سناریوی رصد با دقت و حرکت محتاطانه به عنوان سناریوی ممکن با احتمال بالای تحقق و سناریوی آتش زیرخاکستر به عنوان سناریوی محتمل و سناریوی همزیستی مسالمت آمیز به عنوان سناریوی مرجح و مطلوب ایران در افق ده سال آینده، مورد شناسایی قرار گرفت و معرفی شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد آینده روابط دو کشور بیشتر در سطح روابط تجاری و اقتصادی مطرح بوده و برای احیای نقش آفرینی فعال سیاسی و اجتماعی ایران در آذربایجان تغییرات گسترده در نگرش و سیاست‌های کلان کشور آذربایجان ضرورت دارد. کلیدواژه‌ها: آینده‌پژوهی، ایران، جمهوری آذربایجان، همزیستی مسالمت آمیز، سناریو شوارتز

۱. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه جامع امام حسین^(ع)، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: استادیار، هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین^(ع)، تهران، ایران

مقدمه

منطقه قفقاز به دلیل قرار گرفتن در محدوده استراتژیکی از جهان که آن را به مرکز ثقل ارتباط شرق، غرب، شمال و جنوب جهان تبدیل نموده است و همچنین بدلیل واقع شدن آن در حد فاصل مناطق استراتژیک هارتلند (نظریه مکیندر) و ریملند (نظریه اسپایکمن) و از سوی دیگر همسایگی با روسیه از اهمیت بالایی برخوردار است، همچنین کشف منابع سرشار از انرژی در این منطقه پس از فروپاشی جنگ سرد (شوروی)، نگاه قدرتهای بزرگ را به این منطقه معطوف کرده است و در واقع امروزه در دنیا منطقه‌ای نیست که همچون منطقه قفقاز، به عنوان یک بازیگر اصلی بازار عظیم نفتی بالقوه مطرح باشد (حیدری، ۱۳۹۰، ۲۰۷). در حقیقت ذخائر متعدد نفت و گاز، اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک دریای خزر را مضاعف کرده است. بنابراین قرار گرفتن منطقه قفقاز در کنار دریای خزر در نگاه اول و موقعیت جغرافیایی و منابع و ترانزیت انرژی در نگاه دوم، نشان دهنده ارزش و اهمیت این منطقه می‌باشد. (حیدری، ۱۳۹۰، ۲۰۷) با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی کشورهای جدیدی پا به عرصه نظام بین الملل گذاشتند که سه کشور جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در منطقه قفقاز از جمله این کشورها می‌باشند (ثریا، ۱۳۸۹، ۱۷۰).

کشور جمهوری آذربایجان مهم‌ترین کشور منطقه قفقاز جنوبی است که در همسایگی شمال غربی ایران قرار دارد که از جنوب با استان‌های اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی همسایه است و ۷۶۷ کیلومتر با ایران مرز مشترک دارد. جمهوری آذربایجان در نقطه تلاقی قاره‌های آسیا و اروپا قرار دارد و به دلیل موقعیت چهارراهی خود، ارتباط روسیه را در شمال با ایران، خلیج فارس و دریای عمان و از آن راه با آبهای جهان در جنوب فراهم می‌سازد. جمهوری آذربایجان یک کشور مسلمان و شیعه است که پیوندهای تاریخی عمیقی با ایران دارد و تا زمانی که چندین دور بخشی از سرزمین ایران بوده است و از سوی دیگر جمهوری آذربایجان به دلایل خاص سیاسی - امنیتی، قومی، فرهنگی و تاریخی همواره نقطه اصلی نگاه ایران به منطقه قفقاز به حساب آمده است. (عباسی و موسوی، ۱۳۹۲، ۶۱)

بنابراین آذربایجان به لحاظ ساختار جغرافیای سیاسی ویژه، جمعیت شناختی و مکانیسم حکومتی در امنیت ملی ایران موثرتر از دیگر جمهوری‌های قفقاز است. (نصری مشکین، ۱۳۹۷، ۱۰۶) موضوعی که موجب پیچیدگی سیاست خارجی در قفقاز می‌گردد، تحت فشار گذاشتن

دولت‌های منطقه، توسط قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. (پیشگاهی فرد و موسوی فرد، ۱۳۸۸، ۲۲) تضاد ایدئولوژیک مهم‌ترین عامل واگراساز در روابط ایران و آذربایجان قلمداد می‌گردد، به طوری که تصورات متضاد سیاسی حاکم بر کنشگران ایرانی و آذری در سطح کارگران دولتی باعث ساخت‌یابی یک ساختار واگرا در روابط دو جانبه آنها شده است. اما با این وجود دیدگاه جمهوری اسلامی ایران در رابطه با همگرایی در این منطقه مثبت است و جمهوری اسلامی ایران به دلایل مختلف از جمله مسائل امنیتی و توسعه روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود، مخالف واگرایی در منطقه قفقاز جنوبی و در راس آن جمهوری آذربایجان است.

منطقه قفقاز با وضعیت پیچیده‌ای مواجه است؛ فرصت‌ها و تهدیدهایی را در بطن خود داراست و شناسایی دقیق آنها رسالتی است تعیین‌کننده که می‌تواند مشی سیاسی مطلوب را گوشزد نماید. (نصری مشکین، ۱۳۷۹، ۸۶) با آنکه آذربایجان در مقایسه با دیگر کشورهای قفقاز جنوبی، از لحاظ مذهبی و قومی از شباهت زیادی با ایران برخوردار است و همواره میان این دو کشور مناسباتی وجود داشته است. (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۱، ۴۳) اما در سال‌های اخیر روابط ایران و آذربایجان بسیار کم‌رنگ‌تر شده و از اواخر دهه نود به پایین‌ترین سطح ممکن رسیده است، که دلایل این اتفاق را می‌توان در عوامل واگرا در روابط دو کشور یافت. طبق این برداشت، تلاش مقامات آذربایجانی برای برقراری ارتباط گسترده با نیروهای فرامنطقه‌ای و حتی دعوت از آنها برای همکاری نظامی در دریای خزر، حساسیت و بدگمانی ایران را در پی داشته است. بنابراین در رفتار سیاست خارجی ایران و آذربایجان عناصری از بی‌اعتمادی و سوء ظن نسبت به اهداف طرف مقابل وجود دارد که عمده این نگرش از نگاه تاریخی منفی دو طرف نسبت به یکدیگر ناشی می‌شود. بدون گذر از این بی‌اعتمادی همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گسترده‌تر امکان پذیر نخواهد بود و تحول در روابط دو کشور نیاز به خروج از تفکرات امنیتی و اعتماد ساز دارد. (موسوی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۲)

بعد از اعلام استقلال کشور جمهوری آذربایجان، روابط باکو - تهران در سطح مطلوبی قرار داشت و البته با چالش‌هایی در دو دهه اخیر همراه بوده است. شاخص‌هایی مانند اشتراکات تاریخی، مذهبی و فرهنگی به عنوان عوامل اصلی برای گسترش روابط دو طرف به حساب می‌آید اما در مقابل شاخص‌هایی مانند روابط روبه گسترش با رژیم صهیونیستی و امریکا، گسترش ناتو در

منطقه قفقاز، تداوم اختلاف در مورد رژیم حقوقی دریای خزر به عنوان عوامل اصلی بازدارنده در گسترش روابط دو کشور است.

سوال اصلی این پژوهش این است که در آینده چه سناریوهایی در خصوص روابط سیاسی و اجتماعی کشور جمهوری آذربایجان و ایران متصور است؟ بررسی اسناد، شواهد و قرائن توسط نگارنده حکایت از این دارد که در این خصوص پژوهش‌های منظم و مکتوبی تدوین نشده است. بنابراین محققین در این پژوهش با مراجعه به اسناد کتابخانه‌ای و اینترنتی و با استفاده از روش پیمایشی و برگزاری پنل خبرگانی در جهت رسیدن به پاسخ سوال اصلی پژوهش حاضر هستند.

مبانی نظری

نظریه همگرایی

همگرایی هم می‌تواند به عنوان فرایند و هم وضعیت تعریف شود. وضعیت همگرایی یعنی شرایطی که در آن کنشگران به یک اجتماع جدید می‌رسند. فرایند یا فرایندهای دخیل در آن نیز عبارتند از وسایل و ابزاری که این اجتماع از طریق آنها حاصل می‌شود. (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۴۰)

همگرایی را به بهترین وجه به صورت یک فرایند می‌باید تجزیه و تحلیل کرد، زیرا حرکتی است در زمینه افزایش همکاری میان دولت‌ها. (قوام، ۱۳۸۸: ۴۴)

بنابراین همگرایی، فرآیندی است که طی آن واحدهای سیاسی به صورت داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدف‌های مشترک صرف نظر کرده، از یک قدرت فوق ملی پیروی می‌کنند. در اغلب موارد از همگرایی به عنوان شیوه‌ای برای حل و فصل درگیری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی یا شده که طی آن به تدریج واحدها و مناطق دیگر را شامل شده و در بلند مدت باعث بسط و گسترش انترناسیونالیسم می‌شود. به رغم وجود اختلاف نظرهایی در مورد متغیرهای اصل همگرایی، بسیاری از پژوهشگران درباره موضوع‌هایی همچون نقش نهادها و نخبگان، کم و کیف مبادلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، ایجاد نوعی اجتماع فوق ملی و حرکت‌های یکپارچه‌کننده و انسجام‌دهنده، دارای نظرهای مشترکی هستند. (رنجبرحیدری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۵)

همگرایی و تعارض در سیاست منطقه‌ای و بین‌الملل:

دولت‌ها تحت تاثیر انگیزه‌ها، نیروها، اهداف و منافع در حالت همکاری، رقابت و تعارض با یکدیگر به سر می‌برند. بر این اساس داده‌های سیاست خارجی روی هم رفته دارای آثار متفاوتی هستند و در نتیجه طیف وسیعی از همکاری‌های نزدیک یا دور، برخوردهای شدید یا ضعیف و نیز رقابت در مقیاس‌های گوناگون در عرصه سیاست بین‌الملل مشاهده می‌شود. بدین ترتیب به دو نوع برداشت در فرایند تجزیه و تحلیل روابط بین‌الملل برمی‌خوریم: دیدگاه نخست؛ محور اصلی مطالعه زمینه‌های همکاری و اشتراک مساعی میان واحدهای سیاسی متفاوت است. دیدگاهوت است. دیدگاه دوم؛ اساس بررسی خود را بر وجود تضاد منافع و تعارض خواست‌ها میان افراد از یک سو و جوامع انسانی از سوی دیگر قرار داده، به جای برقراری روابط نزدیک و همکاری‌های دوستانه میان ملت‌ها، بر واحدهای سیاسی و حاکمیت جداگانه با منافع ناهمگون تاکید می‌ورزد. شاید برداشت سومی در مطالعه کیفیت روابط بین‌الملل وجود داشته باشد که طی آن روابط میان واحدهای سیاسی را صرفاً براساس تعارض صرف یا پرمبنای همکاری مطلق تجزیه و تحلیل قرار نمی‌دهد، بلکه ترکیبی از این دو وضعیت (همکاری و تضاد) را در نظر می‌گیرد. ارتباطات مستمر در روابط بین‌الملل ضرورت دارد تا همکاری بین‌المللی شکل گیرد. اگر فهم‌های متفاوت از واقعیت را نتوان از طریق کنش تفاهمی حل و فصل کرد، همکاری تحت حاکمیت قواعد ناممکن می‌شود، این مسئله بیانگر آن است که در نظام بین‌الملل، همکاری کم و بیش شکنندگی خود را دارد. (رنجبر حیدری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۵)

مدل همکاری و رقابت در روابط منطقه‌ای:

در روابط بین‌الملل به دنبال ارتباطات مستمر، ضرورت دارد تا همکاری‌های بین‌المللی شکل گیرد، روابط میان کشورها در بهترین حالت می‌تواند بر اساس همکاری و تعامل مثبت و در بدترین حالت براساس رقابت و تضاد و تعامل منفی باشد. اما واقعیت آن است که در بیشتر موارد میان دولت‌ها ترکیبی از همکاری و رقابت به طور همزمان برقرار است. در چنین حالتی دو دولت در سطح دو جانبه منطقه‌ای و جهانی در موارد و در موضوعاتی همانند اقتصاد، فرهنگ و سیاست و امنیت با یکدیگر همکاری می‌کنند و در مواردی نیز رقابت‌های آنها در جریان است. در چنین

وضعی کشورها به شکل سیاه و سفید به یکدیگر نگاه نمی کنند بلکه دو کشور در حوزه‌های موضوعی متعدد منافع خود را تعریف و رقابت‌ها و همکاری را محدود به آن حوزه‌ها می‌کند. (رنجبر حیدری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۶)

آینده پژوهی

آینده پژوهی به عنوان حوز‌های نوین، به دنبال پاسخگویی به این پرسش‌ها است که « کدام آینده‌ها امکان وقوع دارند؟ کدام آینده‌های ممکن از احتمال وقوع بیشتری برخوردارند؟ و از میان آینده‌های محتمل کدام یک برای ما مطلوب است و یا کدام آینده مطلوب‌تر را می‌توان به شیوه هوشمندانه معماری کرد؟ » پس در یک تعریف ساده و در عین حال بسیار ژرف، آینده پژوهی را می‌توان « علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا » عنوان کرد. آینده پژوهان معتقد به چهار گونه آینده هستند: ۱) آینده‌های ممکن: منظور، تمامی حالات شدنی است که استعداد تحقق در آینده را دارند و به عبارتی روشن‌تر محال ذاتی نبوده و و امکان پذیر هستند. ۲) آینده باورپذیر: همان آینده‌هایی هستند که بر پایه دانش و خرد بشر، باور کردنی و پذیرفتنی هستند و آن‌ها را می‌توان زیر مجموعه آینده‌های ممکن دانست. ۳) آینده‌های محتمل: در میان آینده‌های ممکن، برخی از آینده‌ها از امکان وقوع بیشتری برخوردار هستند و بر پایه دانش و درک ما پذیرفتنی‌تر هستند، که این آینده‌ها را محتمل می‌نامند. ۴) آینده‌های مرجح ۴ یا مطلوب: ۵) آینده مطلوب، همان آینده‌هایی هستند که ما بر پایه ارزش‌ها و هدف گذاری‌ها، خواستار شکل‌گیری و تحقق آن‌ها هستیم. (میرعبدلی و خراسانی، ۱۳۹۸: ۴۴)

۱ - Possible Futures

۲- Plausible Futures

3. Probable Futures

4. Preferable Futures

5. Desirable Futures

پیشینه روابط دو کشور

کشور جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۱ میلادی اعلام استقلال نمود و بلافاصله بعد از آن خواستار شناسایی خود از طریق کشورهای مختلف شد. ترکیه اولین کشوری بود که ۳ روز بعد از اعلام استقلال جمهوری آذربایجان، این کشور را به رسمیت شناخت ولی جمهوری اسلامی ایران با تأخیری ۵ ماهه کشور جمهوری آذربایجان را به رسمیت شناخت. روابط جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران پس از استقلال این کشور، دارای چالش‌های فراوان بوده است. این دوران را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد. مرحله اول مربوط به دوران ریاست جمهوری ایاز مطلب‌اف و آغاز جنگ قره‌باغ می‌باشد که در این دوران جمهوری اسلامی ایران بیشتر نقش میانجگری را برای کمک به حل بحران برعهده داشت. روابط جمهوری آذربایجان با سایر کشورها (به خصوص جمهوری اسلامی ایران) از همان ابتدای استقلالش تحت تاثیر بحران قره‌باغ بوده و در واقع در حوزه ارتباطات این کشور نقش اصلی را بازی می‌کند. در ادامه و با به قدرت رسیدن ایلچی بیگ، روابط دو طرف به شدت به تیره و تار شد و اما این روند با روی کار آمدن حیدر علی‌اف سیر صعودی به خود گرفت و علی‌اف با حفظ روابط خود با کشورهای همسایه، روابط خود را با کشورهای فرامنطقه‌ای به ویژه آمریکا و رژیم منحوس صهیونیستی بیش از پیش تقویت نمود. مسئله رژیم حقوقی دریای خزر و استفاده از منابع آن جزء اصلی‌ترین عوامل تاثیر گذار در روابط دو کشور در این دوران بود. مرحله سوم عبارتست از به قدرت رسیدن الهام علی‌اف فرزند حیدر علی‌اف، که با آغاز این دوران روند تقویت اتحاد جمهوری آذربایجان با غرب سرعت بیشتری گرفت و با شکل‌گیری این رویکرد، کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در راستای اهداف خود، منطقه قفقاز جنوبی را بیش از پیش مورد توجه قرار دادند.

روابط سیاسی

روابط سیاسی ایران و جمهوری آذربایجان را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

۱- ایران و جمهوری دموکراتیک آذربایجان (۱۹۱۸-۱۹۲۰).

۲- دوره اتحاد شوروی (۱۹۲۰-۱۹۹۱).

۳- دوره استقلال از شوروی (از سال ۱۹۹۱).

پس از استقلال جمهوری آذربایجان برقراری روابط رسمی میان این کشور و ایران در ژانویه ۱۹۹۲ آغاز شد. (البته جمهوری اسلامی ایران سومین کشوری است که که با تاخیر ۵ ماهه، استقلال جمهوری آذربایجان را در مورخه ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ مطابق با ۴ دی ۱۳۷۰ به رسمیت شناخت). نخستین محور همکاری سیاسی ایران با جمهوری آذربایجان تلاش تهران برای ورود باکو به سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله اکو و سازمان همکاری‌های اسلامی ۱ بود. حتی در سال ۱۹۹۲ جمهوری اسلامی ایران در دستور کاری، همه سفارتخانه‌های خود در جهان را ملزم به ارائه خدمات به دیپلمات‌های جمهوری آذربایجان کرد. بیش از ۹۰ سند همکاری در زمینه‌های گوناگون به ویژه اعلامیه گروه‌های دوستی میان دولت و مجالس دو کشور در جریان سفر حیدر علی‌اف در سال ۱۹۹۴ بین روسای جمهور دو کشور به امضاء رسید. (پوراحمدی میدی و پدین، ۱۳۹۹: ۷۸) پس از درگذشت حیدر علی‌اف، الهام علی‌اف پسر وی در اکتبر سال ۲۰۰۳ به ریاست جمهوری آذربایجان انتخاب گردید که سیاست‌های دوستی و همکاری با ایران را دنبال کرد. (مطالعات راهبردی، ۱۳۹۷، ۵۷) و از آن زمان تا سال ۱۴۰۰ سفرهای رسمی روسای جمهور دو کشور به شرح جدول زیر می‌باشد

جدول ۱. سفرهای رسمی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان

ردیف	مقام سفر کننده	تاریخ سفر	توضیحات
۱	سید محمد خاتمی (رئیس جمهور)	مرداد ۱۳۸۳	- انعقاد قراردادهای همکاری در زمینه‌های مختلف - آغاز بکار سرکنسولگری جمهوری آذربایجان در تبریز
۲	الهام علی‌اف (رئیس جمهور)	دی ۱۳۸۳	- قراردادهای همکاری در بخش‌های مرزبانی، فرهنگی، دارایی، نیروگاه‌های برق و...
۳	محمود احمدی‌نژاد (رئیس جمهور)	آذر ۱۳۸۴	- مراسم راه‌اندازی خط لوله گاز رسانی ایران - نخجوان
۴	محمود احمدی‌نژاد (رئیس جمهور)	مرداد ۱۳۸۶	- انجام سفر رسمی

1. Organizations of Islamic Countries (OIC)

جدول ۱. سفرهای رسمی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان

ردیف	مقام سفر کننده	تاریخ سفر	توضیحات
۵	الهام علی‌اف (رئیس جمهور)	آبان ۱۳۸۶	- شرکت در دومین نشست سران کشورهای ساحلی دریای خزر
۶	الهام علی‌اف (رئیس جمهور)	اسفند ۱۳۸۷	- انجام سفر رسمی
۷	محمود احمدی‌نژاد (رئیس جمهور)	آذر ۱۳۸۹	- انجام سفر رسمی
۸	دیدار دو رئیس جمهور (حسن روحانی-الهام علی‌اف)	بهمن ۱۳۹۲	- در حاشیه نشست مجمع اقتصادی داووس در سوئیس
۹	الهام علی‌اف (رئیس جمهور)	اسفند ۱۳۹۳	- امضاء ۱۲ سند همکاری بین دو کشور
۱۰	حسن روحانی (رئیس جمهور)	آبان ۱۳۹۳	- امضاء شش سند همکاری
۱۱	الهام علی‌اف (رئیس جمهور)	فروردین ۱۳۹۴	- امضاء ۴ سند همکاری
۱۲	حسن روحانی (رئیس جمهور)	مرداد ۱۳۹۵	- در چارچوب همکاری‌های دو جانبه، امضاء ۶ سند همکاری
۱۳	الهام علی‌اف (رئیس جمهور)	اسفند ۱۳۹۵	- امضاء دو سند همکاری در زمینه مبارزه با پولشویی و اطلاعات مالی و توسعه شبکه ارتباطات ریلی
۱۴	دیدار سید ابراهیم رئیسی و الهام علی‌اف (در حاشیه پانزدهمین اجلاس سران کشورهای عضو اگو در ترکمنستان)	آذر ۱۴۰۰	- حمایت از جمهوری آذربایجان در باز پس‌گیری مناطق اشغالی - قرارداد سوآپ گاز ترکمنستان به آذربایجان از طریق ایران - تاکید بر نقش رژیم صهیونیستی و قدرت‌های خارجی (در بر هم زدن روابط دو کشور)

همکاری‌های دفاعی، نظامی

همکاری‌های نظامی ج.ا. ایران با ج. آذربایجان را می‌توان در دو دوره مورد بررسی قرار داد. دوره اول، در مقطع جنگ قره‌باغ که آذری‌ها دچار بحران داخلی و خطر تجزیه و اشغال سرزمین توسط ارمنستان بودند، شک گرفت که می‌توان نقطه اوج روابط نظامی دو کشور دانست. در این مقطع اقداماتی از جمله: موافقت نامه همکاری نظامی، تامین و پشتیبانی اقلام بهداری، ایجاد اردوگاه آوران جنگی و... انجام شد. این همکاری‌ها به طور فعال ادامه داشت تا اینکه ترک‌ها وارد صحنه شدند. از آن پس آذربایجان با چرخش به سمت غرب سطح همکاری خود با ج.ا. ایران را کاهش داد و در جهت واگرایی از کشورمان قدم برداشت.

در دور دوم روابط دفاعی، ابتدا با همکاری‌های امنیتی و سفر مقامات امنیتی و سیاسی دو طرف از سال ۲۰۱۱ که جو ملایم و محتاط در روابط دو کشور حاکم شد، شروع گردید و در مرحله بعدی نیز زمینه همکاری‌های دفاعی پس از سفر رئیس جمهور وقت ایران (آقای خاتمی) به باکو در سال ۲۰۰۴ فراهم شد. نقطه عطف این همکاری‌ها را می‌توان در سفر دریادار شمخانی (وزیر دفاع وقت) در آذر ۱۳۸۳، و سفر متقابل صفر ابی اف (وزیر دفاع وقت) در اردیبهشت ۱۳۸۴ و امضای توافقنامه نظامی دانست. این توافقنامه بر اساس معاهده اصول مناسبات دوستی و همکاری در سال ۲۰۰۲ میلادی به امضاء رسید، بر همکاری‌های جدی در عرصه دفاعی با تاکید بر تحکیم صلح، ثبات و اعتماد و تاکید بر اراده طرفین برای همکاری بر سراسر احترام و اعتماد متقابل و با اطمینان به اینکه روابط دو جانبه در زمینه دفاعی منجر به توسعه روابط فی‌مابین دولت‌های طرفین خواهد شد، صحنه می‌گذارد. در همین راستا هیئت وزارت دفاع ج. آذربایجان به ریاست ژنرال ذاکر حسن‌اف در فروردین ۱۳۹۳ و متقابلاً سردار دهقان در راس یک هیئت عالی رتبه به عنوان نماینده ویژه رئیس جمهور برای گفتگو با رئیس جمهور آذربایجان در خصوص برخی مسائل و مشکلات امنیتی به این کشور سفر کرد. در ادامه وزیر دفاع ایران در آوریل ۲۰۱۵ به کشور آذربایجان و ذاکر حسن‌اف (وزیر دفاع آذربایجان) در آوریل ۲۰۱۷ به کشور ایران سفر کردند که طی آن توافقات قبلی دو کشور از جمله در خصوص تشکیل کارگروه دفاعی مشترک مورد تاکید قرار گرفت. (مطالعات راهبردی، ۱۳۹۷، ۵۸). آخرین سفر وزیر دفاع کشور جمهوری آذربایجان مربوط به بهمن ۱۴۰۰ می‌باشد که طی این سفر حسن‌اف با رئیس ستاد کل نیروهای

مسلح (سرلشکر باقری) و رئیس جمهور (آقای سید ابراهیم رئیسی) دیدار و گفتگو کرد و در آن سفر طرف ایرانی بر مخالفت با هرگونه اشغالگری (آزاد سازی منطقه قره باغ)، توسعه روابط با همسایگان، مقابله با تروریسم، تقویت بیشتر همکاری های مؤثر، انجام سفرهای متقابل، افزایش تبادل تجربیات و اجرای پروژه های مشترک تاکید کردند. (خبرگزاری ایسنا، ۱۴۰۰)

همکاری های اقتصادی حمل و نقل، روابط اقتصادی (سرمایه گذاری های متقابل)

روابط اقتصادی در همکاری جمهوری آذربایجان و ایران از جایگاه ویژه ای برخوردار است. وجود خطوط ارتباطی مناسب از عواملی است که می تواند محرک توسعه روابط اقتصادی فنی و تجاری بین دو کشور باشد. ایران متناسب با موقعیت جغرافیایی خود با بهره گیری از تمام امکانات حمل و نقل دریایی مانند باکو- انزلی و باکو - نوشهر، خطوط ریلی، مانند راه آهن نخجوان- جلفا- تبریز- تهران و خط آهن باکو- تبریز- تهران، راه زمینی باکو- آستارا- ایران، روابط اقتصادی خود با ایران را توسعه بخشیده است. برای احیای جاده ابریشم و فعالیت بزرگراه اروپا- قفقاز- آسیا نیز لازم هست تا هر دو کشور وضعیت راه آهن و راه های زمینی خود را به سطح استاندارد برسانند. (حسین پور، ۱۳۹۹: ۹۷)

خطوط هوایی باکو- تهران - تبریز نیز فعال است. افتتاح خطوط پرواز باکو به مشهد و تبریز نیز بر رفت و آمد مردم دو کشور تاثیر مثبتی دارد. جمهوری آذربایجان برای پل مرزی بین آستارا اهمیت ویژه ای قائل است. دولت ایران با اعطای وام دارای تخفیف به مبلغ ۱۲۰ میلیون دلار، مسئولیت بازسازی بخش سالیان آستارا و جاده باکو- آستارا را بر عهده گرفت. برای احداث راه آهن آستارا- قزوین نیز دولت آذربایجان با ایران مذاکراتی را صورت داده است. در نتیجه این تحولات، جمهوری خودمختار نخجوان با ایران و ترکیه از طریق خط آهن ارتباط متصل خواهد شد. (حسین پور، ۱۳۹۹: ۱۰۱)

هم اکنون حجم مبادلات تجاری بین دو کشور در بخش غیرنفتی ۴۰۰ میلیون دلار و در بخش نفتی ۶۰۰ میلیون دلار است که به طور کلی، بالغ بر یک میلیارد دلار است. در بخش غیر نفتی میزان صادرات ایران به آذربایجان ۳۸۰ میلیون دلار و واردات آن کشور ۲۰ میلیون دلار است. طرح های مشترک اقتصادی و سرمایه گذاری ا بین دو کشور عبارتند از - سرمایه گذاری جمهوری اسلامی ایران در میدان گازی شاهد به میزان حدود ۲ میلیارد دلار.

- تامین مالی بخشی از اعتبار مورد نیاز برای ساخت راه آهن رشت - آستارا
 - پروژه ساخت پل ریلی آستارا- آستارا، احداث ترمینال باری آستارا و ساخت ۱/۳ کیلومتر
 راه آهن حدفاصل ترمینال مذکور و پل ریلی آستارا- آستارا، با توجه به توافق به عمل آمده میان
 روسای کمسیون مشترک اقتصادی دو کشور مبنی بر ساخت پل ریلی آستارا برای رودخانه آستارا
 چای، ترمینال باری آستارا و ساخت ۱/۳ کیلومتر راه آهن حدفاصل ترمینال یاد شده و پل ریلی تا
 پایان ۲۰۱۶ (به عنوان بخشی از مسیر کریدور شمال-جنوب)، عملیات ساخت پل به اتمام رسیده
 است و مسیر ریلی ۱/۳ کیلومتری و بارانداز آستارا در حال ساخت است.

- پروژه احداث سایت مونتاژ خودرو در جمهوری آذربایجان.

- پروژه احداث کارخانه تولید دارو در باکو؛ (مطالعات راهبردی، ۱۳۹۷، ۶۰)

جدول(۱): آمار مبادلات تجاری جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان تا سال ۱۳۹۵

سال	میزان صادرات	میزان واردات	حجم مبادلات تجاری	تراز تجاری	روند تغییر تراز تجاری
۱۳۹۲	۵۱۷	۳۲	۵۴۹	۴۸۵	به نفع ایران است
۱۳۹۳	۴۸۰	۲۲	۵۰۲	۴۵۸	به نفع ایران است
۱۳۹۴	۲۳۲	۳۲	۲۶۴	۲۰۰	به نفع ایران است
شش ماهه ۱۳۹۵	۳۰۰ (۱۲۶ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۳۲ میلیون دلار)	۳۱	۳۳۱	۲۶۹	به نفع ایران است

بر اساس آخرین گزارش کمیته دولتی گمرکی جمهوری آذربایجان، حجم مبادلات تجاری این کشور و ایران در دوره ژانویه تا نوامبر ۲۰۲۱ به میزان ۲۲,۴ درصد یا ۸۷,۶ میلیون دلار افزایش یافته است و همچنین در ادامه بر اساس این گزارش، در ۱۱ ماهه نخست سال ۲۰۲۱، حجم مبادلات تجاری دو کشور ۳۹۰,۴ میلیون دلار بوده که صادرات ۳۹,۱ میلیون دلار و واردات ۳۵۱,۲ میلیون دلار بوده است.

صادرات آذربایجان به ایران نسبت به سال قبل از آن ۶,۶ درصد و واردات از این کشور ۳۲ درصد افزایش یافته است و حجم مبادلات تجاری ایران و آذربایجان در مدت مشابه سال ۲۰۲۰ بالغ بر ۳۰۲,۸ میلیون دلار بوده است. (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۰)

همچنین در جدیدترین گزارش کمیته آمار دولتی جمهوری آذربایجان آمده است که حجم مبادلات تجاری این کشور با ۱۵۳ کشور خارجی در ماههای ژانویه الی مارس ۲۰۲۰ برابر با ۶,۷ میلیارد دلار بوده است. در این مدت محصولات آذربایجان به ۹۱ کشور صادر شده، در حالیکه این کشور از ۱۴۲ کشور کالا وارد کرده است.

در مدت مذکور ارزش کالاهای صادراتی آذربایجان ۴,۰۵ میلیارد دلار و کالاهای وارداتی ۲,۶۵ میلیارد دلار بوده است. بدین ترتیب می توان گفت سهم صادرات آذربایجان در تجارت خارجی در این دوره سه ماهه اول سال ۲۰۲۰ برابر با ۶۰,۶ درصد و واردات آن نیز ۳۹,۴ درصد بوده که در نتیجه تراز تجاری ۱,۴ میلیارد دلار مثبت به نفع آذربایجان شده است. بر اساس این گزارش، در مقایسه با ماههای ژانویه تا مارس ۲۰۱۹، میزان واردات ۳۲,۹ درصد و صادرات ۴,۸ درصد کاهش داشته است.

علاوه بر این در ماههای ژانویه الی مارس ۲۰۲۰ میزان صادرات محصولات غیرنفتی آذربایجان در مقایسه با مدت مشابه سال قبل با ۳,۴ درصد رشد در قیمت های حقیقی و ۵,۲ درصد کاهش در قیمت های واقعی به رقم ۴۲۹ میلیون دلار رسیده است. براساس اعلام کمیته دولتی گمرک آذربایجان، کشورهای ایتالیا، ترکیه، روسیه، چین، ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل بیشترین سهم را در تجارت خارجی آذربایجان از آن خود کرده اند.

براساس اعلام کمیته دولتی گمرک آذربایجان، از مجموع صادرات این کشور به کشورهای خارجی به ترتیب ۴۳,۵ درصد از محصولات آذربایجان به ایتالیا، ۸,۳ درصد به ترکیه، ۶ درصد به اسرائیل، ۴,۵ درصد به یونان، ۴ درصد به هند، ۳,۴ درصد به جمهوری چک، ۳,۳ درصد به روسیه، ۲,۸ درصد به تونس و پرتغال، ۲,۵ درصد به گرجستان، ۲,۳ درصد به آلمان و اوکراین، ۲,۱ درصد به ویتنام، ۲ درصد به اتریش و ۱۰,۲ درصد به سایر کشورها صادر شده اند.

سهم واردات کشورها از آذربایجان در مدت مذکور نیز به ترتیب عبارتند از: روسیه ۱۶,۴ درصد، ترکیه ۱۴,۸ درصد، چین ۱۳,۴ درصد، ایالات متحده ۱۰,۷ درصد، آلمان ۵,۲ درصد،

ایتالیا ۴,۵ درصد، ایتالیا ۴,۵ درصد، اوکراین ۳,۸ درصد. ایران صفر درصد، انگلیس ۲,۲ درصد، ژاپن و کره ۱,۸ درصد، ترکمنستان ۱,۷ درصد، فرانسه ۱,۵ درصد و بالاخره سهم سایر کشورها نیز ۱۹/۲ بود. همچنین این کمیته خاطر نشان می‌سازد در سال ۲۰۱۹، حجم تجارت خارجی آذربایجان بالغ بر ۳۳ میلیارد دلار گردید که سهم صادرات ۱۹,۴ میلیارد دلار و سهم واردات نیز ۱۳,۶ میلیارد دلار بود و در نتیجه تراز تجاری این کشور با جهان به میزان ۵,۸ میلیارد دلار مثبت به نفع آذربایجان بوده است. (بخش اقتصادی سفارت جمهوری اسلامی ایران - باکو، ۱۳۹۹)

همکاری‌های فرهنگی و اجتماعی

مردم جمهوری آذربایجان به دلیل پیشینه تاریخی و وابستگی به ج.ا.ایران، شباهت‌های زیادی از نظر فرهنگی و حتی شکلی به مردم کشورمان به ویژه اهالی استان‌های غربی و شمال دارند. نوع گویش، مذهب و رسومات مرسوم در بین اهالی آذربایجان نیز حاکی از این گرایش دارد. در حال حاضر خبرگزاری آذرتاج (ارگان رسمی دولت آذربایجان) دارای دفتر نمایندگی در تهران بوده و خبرگزاری ایرنا و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران نیز در باکو دارای دفتر نمایندگی است. در سالهای گذشته دو بار رئیس سازمان صدا و سیما ج.ا.ایران به باکو سفر کرده است. علاوه بر این برخی سریال‌های ساخته شده توسط شبکه‌های تلویزیون ج.ا.ایران مانند امام علی (ع)، یوسف پیامبر، ولایت عشق و حضرت مریم نیز از تلویزیون آذربایجان پخش شده‌اند. در حال حاضر نیز بیش از ۱۰۰۰ دانشجوی ایرانی در آذربایجان به تحصیل اشتغال دارند و هر ساله بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود. (مطالعات راهبردی، ۶۱، ۱۳۹۷)

با وجود نزدیکی و قرابت فرهنگی بسیار زیاد، روابط دو کشور در این زمینه چشمگیر نبوده است که می‌توان علت آن را در چند عامل برشمرد.

- تبلیغات شدید مبتنی بر اندیشه پان ترکیسم که لزوم اتحاد ترک‌زبانان را مطرح می‌کند، همراه با ساختن تصویری خیالی از جمهوری اسلامی که با برتر انگاشتن فارس‌ها، حقوق ترک‌ها را پایمال کرده است.

- تکرار ایران شمالی (آذربایجان) و آذربایجان جنوبی (منطق شمال غربی ایران) از سوی مقامات کم اهمیت سیاسی و برخی از روشنفکران دو کشور، که این امر را به ایجاد فضای بی‌اعتمادی کمک بسیار زیادی نموده است.

- دو شکل متفاوت و حتی متضاد در ساخت سیاسی که یکی مبتنی بر هویت سکولار و دیگری شیفته هویت اسلامی است. با وجود شیعه بودن مردم آذربایجان، فرهنگ و آداب و رسوم غربی به شدت در حال افزایش است. در برخی کتاب‌های درسی جمهوری آذربایجان، نگاه ضد ایرانی مشهود است.

هرچند پس از استقلال آذربایجان با توجه به شیعه بودن مردم این کشور، گمان بسیاری بر سلطه فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در این کشور می‌رفت و هر چند همواره ایران منبع رهنمودهای دینی در این کشور به شمار می‌رفت، در رقابت با فرهنگ غربی، فرهنگ شیعی - ایرانی تاثیر و نفوذ چندانی به دست نیاورده است. (حسین پور، ۱۳۹۹: ۱۰۴)

چالش‌های موجود در روابط دو کشور

تفاوت دیدگاه دو کشور نسبت به امنیت منطقه

مرور سیاست‌های اعلامی دولت آذربایجان و اظهار نظرهای مقامات ارشد آذری در طی دو دهه اخیر حاکی از آن است که رویکرد امنیتی جمهوری آذربایجان به سمت رویکردهای غرب‌گرایانه سوق پیدا کرده است. جمهوری آذربایجان نیز همانند سایر جمهوری‌های قفقاز جنوبی از معضلات امنیتی متعددی رنج می‌برد. نگاهی به جهت‌گیری سیاست داخلی و خارجی جمهوری آذربایجان، نشان می‌دهد که این کشور مهم‌ترین مشکلات و تهدیدات امنیتی خود را تطویل و لاینحل ماندن مناقشه قره‌باغ، رشد اسلام‌گرایی در جمهوری آذربایجان، تحریکات وهابیون، اقدامات براندازی از سوی کشورهای خارجی، اقدامات جاسوسی ارمنستان، احتمال خرابکاری در خطوط لوله انتقال انرژی، اقدامات جدایی طلبانه گروه‌های مخالف، تلاش گروه‌های مخالف نظیر ایاز مطلب‌اف (اولین رئیس جمهور) و رسول قلی‌اف (رئیس پیشین پارلمان) برای بازگشت به قدرت، احتمال انقلاب رنگین نظیر انقلاب مخملی گرجستان، نارنجی اوکراین و لاله‌ای قرقیزستان توسط مخالفان و با حمایت آمریکا، تهدیدات امنیتی ترکمنستان در خزر بر سر چهار حوزه نفتی مشترک از جمله کپز یا سردار، لاینحل ماندن مشکلات مرزی با روسیه و گرجستان و همچنین افزایش حضور نظامی روسیه در ارمنستان می‌داند. با وجود این،

شکی نیست که مهم‌ترین مشکل امنیتی جمهوری آذربایجان، مناقشه قره‌باغ می‌باشد. (ولیکلی‌زاده، ۱۳۸۸: ۸۵)

طی سال‌های گذشته، جمهوری آذربایجان کوشیده است همکاری‌های امنیتی و نظامی خود را با جامعه کشورهای مشترک‌المنافع و کشورهای منطقه کاعش داده و متقابلاً، همکاری‌های امنیتی و نظامی خود را با نهادهای نظامی - سیاسی غرب گسترش دهد. در واقع، جمهوری آذربایجان معتقد است امنیت این کشور زمانی تامین خواهد شد که با امنیت اروپا و غرب ادغام شود. تلاش‌های جمهوری آذربایجان برای پیوستن به ناتو و اتحادیه اروپا در این راستا صورت می‌گیرد. (ولیکلی‌زاده، ۱۳۸۸: ۸۶)

ایران با هدف صلح و ثبات منطقه‌ای و تقویت روابط با کشورهای همجوار، سعی مستمری در رفع بحران‌های منطقه‌ای در پیرامون خود انجام می‌دهد و نقش موثر آن در برقراری صلح و ثبات در تاجیکستان در این زمینه قابل ذکر است. ایران در چارچوب دیدگاه امنیتی تنش زدایانه خود در مخالفت با هر گونه نفوذ خارجی در مناطق پیرامون خود به ویژه قفقاز، به تلاش دامنه داری برای تامین صلح و ثبات منطقه‌ای مبادرت نموده است. بی‌شک، ویژگی‌های جغرافیای سیاسی، همگونی قومی، توانایی اقتصادی و سیاسی ایران، قدرت ایران را برای ایجاد ثبات و امنیت در منطقه قفقاز بیشتر کرده است. (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۰۷)

ایران معتقد است که هر گونه تلاش برای نظامی کردن منطقه قفقاز، ایجاد بلوک‌بندی‌های نظامی و زمینه‌سازی برای دخال بیگانگان در منطقه قفقاز، نمی‌تواند امنیت پایدار را در این منطقه ایجاد کند. امنیت منطقه باید توسط کشورهای منطقه برقرار شود. (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۰۸)

البته این سیاست و دیدگاه امنیتی تنش زدایانه ایران، موجب ناخرسندی برخی کشورهای غربی به ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی شده است و آنها آشکارا تاکید کرده‌اند که فعال شدن ایران در قفقاز نمی‌تواند به برقراری صلح و ثبات در این منطقه کمک کند. قدرت‌های غربی می‌کوشند با استفاده از راه‌های مختلف نظیر ارائه چهره مخدوش از ایران، متهم کردن ایران به نقض حقوق اقلیت‌ها و افراط‌گرایی، نقض حقوق بشر، ترویج بنیادگرایی و تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای، حضور امنیتی ایران در قفقاز را خطرناک جلوه دهند و برای نفوذ در منطقه، بستر لازم را فراهم سازند. (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۱۰)

جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری آذربایجان با ایران

ایران و ارمنستان به دلیل همجواری ارتباطات و تعاملات نزدیک با هم دارند که جمهوری آذربایجان آن را به عنوان یک تهدید برای خود تلقی می‌کند و در نقطه مقابل نیز تعاملات نزدیک رژیم منحوس صهیونیستی با جمهوری آذربایجان به عنوان کشور همسایه شمالی جمهوری اسلامی ایران، تهدیدی از سوی سیاست‌گذاران این کشور قلمداد می‌شود.

دو موضوع اصلی شکل‌دهنده جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری آذربایجان عبارتند از مناقشه قره‌باغ به عنوان بحرانی برای این کشور و همچنین بهره‌برداری از منابع دریای خزر موضوع قره‌باغ و پس گرفتن آن برای جمهوری آذربایجان یک اختلاف ارضی ساده و یا مسئله‌ای برای ارضای غرور ملی نیست، بلکه یک مسئله مهم امنیتی به شمار می‌رود. با اینکه در اوایل درگیری میان آذربایجان و ارمنستان، جمهوری اسلامی ایران از فضای گسترده‌ای برای اقدامات میانجیگری برخوردار بود، اما با روی کار آمدن ابوالفضل ایلچی بیگ و گرایش شدید به غرب و ترکیه و در نتیجه آن، حمایت از مواضع ارمنستان از طرف مسکو و نزدیکی تهران به گرایش اخیر و نیز تشکیل گروه مینسک از طرف شوروی امنیت و همکاری اروپا، جمهوری اسلامی را توان اثرگذاری بر بحران و طرفین آن به خصوص آذربایجان را از دست داد. (حسین پور، ۱۳۹۹: ۱۰۵)

جمهوری اسلامی ایران در راستای حل بحران قره‌باغ اقدامات زیادی را در حمایت از کشور جمهوری آذربایجان به انجام داده است به عنوان نمونه جمهوری اسلامی ایران سال‌ها از آورانگان این کشور حمایت و پشتیبانی کرده است.

دین و مذهب مشترک (تجانس مذهبی)

اسلام دین مشترک مردم جمهوری آذربایجان و ایران است. داشتن دین مشترک زمینه معنوی و فرهنگی مناسبی را برای نزدیکی روابط مردم دو کشور ایجاد می‌کند. مذهب در جمهوری آذربایجان در قرن‌های متمادی برای حیات عمومی الزام آور بوده است. از دوران قدیم تقریباً تمام جنگ‌ها، اصلاحات و فرآیندهای سیاسی زیر لوای مذهب به وقوع پیوسته است. این ویژگی در مورد ایران نیز صدق می‌کند. به شکلی که بسیاری از تحولات سیاسی و اجتماعی ایران هم در طول تاریخ متأثر از آموزه‌های اسلامی بوده است. تشیع مذهب اصلی مردم دو کشور به شمار

می رود. بعد از این، جمهوری آذربایجان بیشترین شیعه را در خود جای داده است، در واقع مذهب، عنصر اصلی پیوند جمهوری آذربایجان با ایران است. (عباسی و موسوی، ۱۳۹۲: ۶۷)

اما در شرایط کنونی شیعیان جمهوری آذربایجان در داخل از حمایت دولتی لازم برخوردار نیستند و حمایت خارجی چندانی هم از آنها به عمل نمی آید. روند فعلی دین گرایی شیعی در این کشور به گونه ای است که شرایط دشوار این مذهب باعث نابودی آن در کشور نمی شود ولی سبب می گردد، انقطاع صورت گرفته بین تفکر شیعی ایرانی با باورها و اعتقادات شیعیان آذربایجان روز به روز پر رنگ تر شده و شکاف عمیقی بین این دو ایجاد شود. از این روست که برخی بر این باورند، جریان شیعی جمهوری آذربایجان در حال یافتن هویت مستقل و متفاوت از ایران است. این مسئله در آینده باعث بروز اختلافات و تنش هایی بین این دو خواهد شد و قطعاً سبب خواهد گردید، حوزه نفوذ و دایره مشروعیت ایدئولوژی شیعی ایرانی در آذربایجان روز به روز کمتر گردد که هم تبعات منفی بر مذهب شیعه دارد و هم پیامدهای منفی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای دو ملت به دنبال خواهد داشت. (واحدی، ۱۳۸۶: ۵۵)

تجانس جمعیتی و اشتراکات تاریخی و فرهنگی

ایران و جمهوری آذربایجان پیشینه تاریخی مشترک حدود هزار ساله دارند و از این رو میراث تاریخی مشترک دارند. وجود شاعران و بزرگانی چون نظامی گنجوی، خاقانی شیروانی و اندیشمندان مسلمانی چون لنکرانی و نخجوانی و صدها نمونه دیگر خود دلایل محکمی بر وجود سابقه تاریخی دو ملت است. بعد از استقلال جمهوری آذربایجان و فروپاشی اتحاد شوروی ارتباط فرهنگی میان ایران و این جمهوری گسترش یافت. انتشار کتاب، برگزاری سمینارها و همایش های فرهنگی، تاسیس مراکز آموزشی - فرهنگی از جمله ابعاد روابط دو طرف در حوزه فرهنگی بوده است. (موسوی شهیدی و احمدی کروج، ۱۳۹۸: ۱۱۵)

آذربایجان پیوندهای تاریخی عمیقی با ایران دارد و زمانی بخشی از امپراطوری ایران بوده است. ایران تقریباً ۷۰۰ کیلومتر مرز مشترک با آذربایجان دارد که دو طرف مرز نیز جمعیت آذری زندگی می کنند. جالب آنکه تعداد آذری هایی که در ایران زندگی می کنند، بیشتر از تعداد آذری های آذربایجان است. (کریمی پور، ۱۳۸۱: ۱۳۴)

اما نباید از نظر دور داشت که عامل تجانس جمعیتی، تبعات منفی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران فراهم کرده است. که یکی از مهمترین و مساله دارترین آنها مطرح شدن ایده « آذربایجان واحد و بزرگ» از سوی برخی دولتمردان آذربایجان بوده است. این کشور و یا جناح‌های ناسیونالیست قدرتمند آن، راه حل برطرف کردن بسیاری از تنگناهای خود را در تحقق آرمان « آذربایجان واحد و بزرگ» جستجو می‌کنند. از جمله، به گمان شونیست‌های آذری با تشکیل آذربایجان بزرگ می‌توان انتظار حل مشکلات و تنگناهای زیر داشت:

- ۱- حل مشکل ارتباطی یا کو - نخجوان.
- ۲- حل تنگنای ارتباطی با ترکیه و اروپا و بالعکس.
- ۳- دسترسی به کریدورهای مناسب برای انتقال انرژی حوزه‌های دریای خزر به اروپا.
- ۴- دسترسی به موقعیت مناسب جمعیتی و سرزمینی در قبال ارمنستان.
- ۵- دسترسی به موقعیت مناسب جمعیتی و سرزمینی در قبال تهدید روسیه.
- ۶- تبدیل شدن به ابر قدرت منطقه‌ای در قفقاز.
- ۷- موضع برتر و تعیین کننده در قضیه قره‌باغ. (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۲۲۶)

مطالعه و بررسی روابط بین دو کشور در سال‌های گذشته این ادعا را ثابت می‌کند که از عوامل تجانس جمعیتی و اشتراکات فرهنگی و تاریخی از طرف جمهوری آذربایجان، به خصوص در دوره حکومت ایلچی بیگ، به عنوان ابزار در جهت چالش ژئوپلیتیک برای جمهوری اسلامی ایران و یک عامل واگرایی در روابط بین دو کشور، استفاده شده است. (مجتهدزاده، ۱۳۸۷: ۲۴۰)

روابط ایران و ارمنستان

کشور ارمنستان که در طول دهه ۱۹۹۰ حاکمیت ملی و سرزمینی‌اش از طرف آذربایجان و همچنین ترکیه در خطر بود تلاش کرد با نزدیکی به جمهوری اسلامی ایران موازنه‌ای در رقابت با آذربایجان ایجاد کند. (پوراحمدی میبدی و پدین، ۱۳۹۹: ۱۲۴)

بحث پیرامون رابطه ایران و ارمنستان از این جهت حائز اهمیت است که چگونگی و کیفیت این رابطه به عنوان متغیر منفی در روابط جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران نگریسته می‌شود. به دلیل وجود مناقشه قره‌باغ و درگیری بین دو کشور ارمنستان و جمهوری آذربایجان، رابطه دو کشور ایران و ارمنستان در کانون توجهات مقامات آذری قرار دارد و مقامات آذربایجانی

به هرگونه قرار داد همکاری ایران با ارمنستان حساس بوده و ایران را به روابط صمیمانه با دشمن جمهوری آذربایجان (ارمنستان) متهم می‌کنند. (سایت ایراس: ۹۰/۲/۴)

بتابراین حکومت آذربایجان به طور گسترده‌ای اعتقاد دارد که ارمنستان نمی‌توانست بدون کمک‌ها و روابط اقتصادی با ایران سختی‌ها و بحران‌های سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ را تحمل کند. به عنوان مثال در آوریل ۱۹۹۲ در یکی از حساسترین زمان‌های درگیری جمهوری آذربایجان و ارمنستان، ایران موافقت کرد گاز طبیعی و سوخت به ارمنستان عرضه کند و پیوندهای حمل و نقلی‌اش را با ارمنستان بهبود ببخشد. از این رو مقامات آذربایجان معتقد بودند که بدون دریچه‌ی ایران، ارمنستان مطمئناً در جنگ با آنها نمی‌توانست موجودیت خود را حفظ کند. (پورااحمدی میبیدی و پدین، ۱۳۹۹: ۱۲۴)

تعیین رژیم حقوقی دریای خزر

یکی از مهمترین موضوعاتی که همیشه باعث تنش و اختلاف میان ج.ا. ایران و آذربایجان شده مسئله‌ی تعیین حقوقی دریای خزر است. رژیم حقوقی این دریا یکی از مهم‌ترین مسائل دریای خزر است که پس از فروپاشی شوروی، ظهور و بروز بیشتری پیدا کرد. مهم‌ترین عامل اختلاف بین ایران و آذربایجان به دلیل وجود منابع عظیم انرژی این دریا است، به دلیل آنکه بیش از ۹۰ درصد کل ذخایر نفت و گاز آذربایجان در سواحل و در داخل دریای خزر قرار دارد.

ج.ا. ایران در نامه‌ای به دبیر کل سابق سازمان ملل، کوفی عنان در سال ۱۹۹۷ به استخراج یکجانبه دریای خزر به وسیله‌ی آذربایجان اعتراض کرد، با توجه به اینکه ایران اعتقاد دارد که منابع دریای خزر متعلق به همه‌ی کشورهای دریای خزر است. حکومت ج.ا. ایران به دنبال آن است که ۲۰ درصد دریای خزر را به جای ۱۲ درصد کنترل کند. به عبارت دیگر ایران می‌خواهد این منطقه را به ۵ قسمت مساوی تقسیم کند. برجسته‌ترین اختلاف بین ایران و آذربایجان در مورد بلوک‌های هیدروکربن آراز ۱، آلوو ۲ و شارگ ۳ ناحیه‌ای با مساحت ۱۴۰۰ کیلومتر مربع و با حدود ۷۰۰ میلیارد متر مکعب گاز است. آذربایجان این میدان را کنترل می‌کند

1. Araz
2. Alov
3. Sharg

که ایرانیان به آن البرز می گویند. حکومت ج.ا.ایران ادعا دارد که میدان آلوو که در ۱۲۰ کیلومتری جنوب شرقی باکو قرار دارد، بخشی از سرزمین آبی ایران است. (پوراحمدی میبدی و پدین، ۱۳۹۹: ۱۲۵)

روابط جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی

روابط اسرائیل با آذربایجان اهمیت بسیاری دارد، آذربایجان یک کشور مهم استراتژیک، دارای منابع غنی و مسلمان شیعه است. به عنوان یک کشور ساحلی خزر، این امکان را دارد که یک صادر کننده عمده هیدروکربن باشد. از سوی دیگر آذربایجان به دلیل تجربه عصر شوروی، با اینکه یک کشور مسلمان شیعه محسوب می شود، امروزه از نظر سیاسی یک کشور مسلمان سکولار است. لذا سیاستگذاران اسرائیلی بسیاری مشتاق اند تا این استنباط را که اسرائیل به طور ذاتی یک کشور ضد مسلمان است، از بین ببرند و برای توسعه روابط با کشورهای مسلمان میانه رو ارزش بسیاری قائل اند. (طهماسبی نسب، ۱۳۹۶: ۸۴)

اسرائیل یکی از کشورهایی که در دهه های اخیر تلاش کرده در آن حضور داشته باشد تا به وسیله آن از یک طرف منافع اقتصادی خود را تأمین کند و از طرف دیگر بر ج.ا.ایران فشار آورد، آذربایجان بوده است. حاکمیت باکو نیز از توسعه روابط با تل آویو حمایت می کند. آذربایجان سومین کشور مسلمانی بود که بعد از مصر و ترکیه روابط اقتصادی و استراتژیک دوجانبه اش را با اسرائیل ایجاد کرد. باید توجه داشت که اسرائیل منابع نفتی قابل توجهی ندارد و به طور کامل به واردات نفت وابسته است. مسیر باکو -تفلیس -جهان برای نفت آذربایجان، همچنین سود بازرگانی محسوسی برای اسرائیل ایجاد کرده است، به خصوص از زمانی که بازار نفت خلیج فارس تحت سلطه ی تولیدکنندگان ضداسرائیلی به ویژه ایران قرار گرفت. (پوراحمدی میبدی و پدین، ۱۳۹۹: ۱۲۶)

بنابراین از دلایل اصلی ایجاد و تقویت روابط بین رژیم منحوس صهیونیستی و کشور جمهوری آذربایجان، هم مرز بودن با جمهوری اسلام ایران (مهم برای رژیم صهیونیستی) و ایجاد موازنه با ارمنستان (مهم برای آذربایجان) می باشد.

روابط جمهوری آذربایجان و آمریکا

یکی از قدرت‌های فرامنطقه‌ای که نقش مهمی در تکوین روابط ایران و جمهوری آذربایجان دارد، ایالات متحده آمریکاست. به طور قطعه هژمونی آمریکا می‌طلبد که این کشور در تمامی مناطق به عنوان یک قدرت مداخله‌گر، به طور فعالانه ایفای نقش کند. بنابراین منطقه قفقاز نیز از این حیث بی‌نصیب نمانده است. در میان کشورهای فرامنطقه‌ای که چشم به منطقه قفقاز دوخته بودند، ایالات متحده مهم‌ترین مورد به شمار می‌رود. ایالات متحده با بهره‌گیری از طرح‌های اقتصادی گسترده که بیشتر مربوط به عملیات استخراج و ترانزیت نفت و انرژی جمهوری آذربایجان می‌شود، نفوذ خزننده خود را در این منطقه آغاز کرد. جمهوری آذربایجان نیز در میان کشورهای قفقاز به خاطر موقعیت ویژه راهبردی و مهم‌تر از همه به خاطر ذخائر نفتی‌اش مورد توجه شرکت‌های نفتی بزرگ آمریکا و غرب قرار گرفت. (کارآزما، ۱۳۹۱: ۱۳۵)

از سال ۱۹۹۴، آذربایجان سرزمین ایران را به عنوان یکی از مسیرهای صادرات نفتش ملاحظه کرد. مسیر ایران می‌توانست مزیت مهمی را ارائه کند که جایگزین دیگری نداشت. هزینه‌ی ساخت آن پایین بود، موقعیت سیاسی باثباتی در کشور حکمفرما بود، نیازی به سرمایه‌گذاری در زیربناسازی نفت به صورت ناچیز داشت و پایانه نفتی کاملی بر روی خلیج فارس داشت. این‌ها از جمله موضوعاتی بودند که تا بهار ۱۹۹۵ مورد بحث قرار گرفتند. اما از این زمان واشینگتن، باکو را مجبور به کنسل کردن قرارداد با شرکت نفت ایران در کنسرسیوم نفت بین‌المللی کرد. از مسائل دیگری که باعث تیرگی روابط ایران و آذربایجان در سال‌های اخیر شده، حضور سربازان امریکایی و سپر دفاعی امریکا در این کشور بوده است. در سال ۲۰۰۳ اخباری منتشر شد مبنی بر اینکه سربازان امریکایی در خاک آذربایجان استقرار پیدا کردند. (پورااحمدی میبدی و پدین، ۱۳۹۹: ۱۳۰)

همکاری و نزدیکی آذربایجان با ناتو

تجربه گذشته نشان می‌دهد که همکاری‌های دو جانبه با سازمان‌هایی که اساس آنها بر تامین منافع قدرت‌های سلطه‌گر بنیاد شده است، به نفع کشورهای که می‌خواهند مستقل بمانند نیست. بر این اساس ایران ضمن احترام به تصمیم‌هایی که دولت جمهوری آذربایجان درباره همکاری با هر کشور یا سازمان دیگر می‌گیرد، نمی‌تواند از بیان دیدگاه‌های دوستانه خود که بر اساس منطق

دوستی و همسایگی و سرنوشت مشترک است، خودداری کند. ناتو در قفقاز به دنبال توسعه نفوذ و سلطه‌گری است. بنابراین همکاری ناتو با جمهوری آذربایجان نمی‌تواند در چهارچوب همکاری، متقابلاً سودمند تعریف شود. ایران مایل نیست نگرانی خود را از باز شدن پای ناتو به منطقه قفقاز مخفی کند. (بشیری لحاقی، ۱۳۹۶: ۸۷)

پیشینه پژوهش

جدول ۲. پیشینه داخلی و خارجی تحقیق

ردیف	عنوان پژوهش	نویسنده و تاریخ	روش پژوهش	نتایج پژوهش
۱	سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری آذربایجان	سید محمد موسوی و همکاران	توصیفی - تحلیلی با ابزار کتابخانه‌ای و اسنادی	در رفتار سیاست خارجی ایران و آذربایجان عناصری از بی‌اعتمادی و سوءظن نسبت به اهداف طرف مقابل وجود دارد که عمده این نگرش از نگاه تاریخی منفی دو طرف نسبت به یکدیگر ناشی می‌شود.
۲	دیپلماسی عمومی و سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران در روابط با جمهوری آذربایجان؛ ظرفیت‌ها، موانع و راهکارها	مهدی حسینی و شیوا علی‌زاده- ۱۳۹۸	روش توصیفی - تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای و اسنادی	جمهوری اسلامی ایران تمامیت ارضی و استقلال جمهوری آذربایجان را هم در کلام و هم در عمل به رسمیت شناخته است بنابراین جا دارد که برخی قالبهای پوسیده و چارچوب‌های تاریخ مصرف گذشته در نگرش‌ها به ایران که میراث شوروی در این کشور است تغییر یابد و اراده‌های جدی در جهت شکوفایی ظرفیت‌های انبوه در مناسبات طرفین در خدمت به منافع دو کشور بکار گرفته شود و ایران نیز در این بین ضرورت دارد که با استفاده از تمامی امکانات در جهت تصحیح نگرش مردم جمهوری آذربایجان به همسایه هم‌فرهنگ و نزدیکشان تلاش کند.
۳	بررسی و اولویت بندی عوامل واگرایی اثر گذار در روابط ایران و کشورهای اسلامی پیرامونی	شهناز بازدار و دیگران- ۱۳۹۵	بصورت ترکیبی، یعنی توصیفی - تحلیلی و پیمایشی و با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی از طریق پرسشنامه	در نتایج حاصل از پژوهش حاضر، مجموعاً یازده عامل واگرا شناسایی شده در اولویت بندی آنها در زمینه‌ی ایجاد تنش نیز عامل تعارضات ایدئولوژیک به عنوان مهمترین عامل واگرا بین ایران و کشورهای اسلامی پیرامونی در اولویت اول قرار گرفته است.

جدول ۲. پیشینه داخلی و خارجی تحقیق

ردیف	عنوان پژوهش	نویسنده و تاریخ	روش پژوهش	نتایج پژوهش
۴	همگرایی منطقه ای قفقاز جنوبی: موانع و چالشها از منظر جمهوری اسلامی	جمشید ثریا- ۱۳۸۹	توصیفی - تحلیلی با روش گردآوری کتابخانه‌ای و اسنادی	با توجه به مطالب پژوهش حاضر، قانون اساسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نسبت به همگرایی در قفقاز جنوبی، مثبت بوده و بر عکس جمهوری اسلامی ایران مخالف واگرایی در این منطقه می‌باشد.
۵	روابط آذربایجان و ایران: چالش‌ها و چشم اندازها	نصیبی		نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تضاد اصلی جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران ماهیت اساسی دارد: برای حل مسئله بین این دو کشور، یا باید جمهوری آذربایجان وارد مدار سیاسی ایران شود و طرفدار تشکیل دهد یا ایران باید شخصیت رژیم خود را تغییر دهد و به حقوق قومیتی مردم غیرفارس احترام بگذارد
۶	تأثیر منافع ملی ایران بر روابط ایران و آذربایجان در سده بیست و یکم	مهدی علیخانی، حسین کریمی خرقانی.		در بررسی این پژوهش این نتیجه حاصل می‌شود که علی‌رغم ویژگی های همگرایی بسیاری (دین و مذهب مشترک، اشتراکات تاریخی و فرهنگی، وجود پتانسیل های مناسب برای همکاری و ...) که در روابط دو کشور وجود دارد و علی‌رغم تلاش برای بسط روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی با این کشور، علل مختلف گفته شده باعث شده است تا دو کشور نتوانند آن طور که باید از ظرفیت‌های موجود برای همکاری استفاده کنند و روابط طرفین سرد باقی مانده است.
۷	سیاست خارجی آذربایجان: بین شرق و غرب	وکیلی، جانری ۲۰۱۳	توصیفی - تحلیلی با استفاده از اطلاعات اسنادی	آذربایجان می‌خواهد تا سیاست خارجی خود را متنوع نگه دارد. با توجه به جذابیت‌های رقابتی در جمهوری آذربایجان از موضع ژئوپلیتیکی و انرژی برای کشورهای بیگانه، این کشور علاقه به حفظ یک موازنه خوب در چنین رقابتی دارد، بنابراین از کشیده شدن به مدار یکی از قدرت‌های بزرگ و پیگیری یک سیاست خارجی مستقل اجتناب می‌کند.
۸	بررسی سیاسی و توسعه روابط اقتصادی،	لطفی، گل محمدی و صمدی	توصیفی - تجربی (آماري)	در بررسی این پژوهش به این نتیجه می‌رسیم که با وجود ویژگی های همگرایی فراوان از جمله مذهب مشترک و تاریخ و فرهنگ مشترک، پتانسیل همکاری در روابط دو

جدول ۲. پیشینه داخلی و خارجی تحقیق

ردیف	عنوان پژوهش	نویسنده و تاریخ	روش پژوهش	نتایج پژوهش
	ظرفیت‌های همکاری اقتصادی ایران و جمهوری آذربایجان			کشور وجود دارد و علیرغم تلاش‌ها برای توسعه روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی، عوامل مختلفی موجب شده است، دو کشور نتوانند از ظرفیت‌های موجود برای همکاری استفاده کنند و روابط متقابل سرد باقی بماند.
۹	تعارض در رویکردهای استراتژیک قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به مسائل امنیتی قفقاز جنوبی	زهرا پیشگاهی فرد و موسوی فر-۱۳۹۰	روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و مدارک	از آنجا یی که این قدرت‌ها تلاش می‌کنند که تمام توان استراتژیک خود را برای دستیابی به منافع موجود در قفقاز جنوبی، بدون توجه به نیازها و نگرانی‌های امنیتی دیگر قدرت‌ها و کشورهای منطقه به‌کار گیرند، در نتیجه ما به جای اینکه شاهد شکل‌گیری امنیت‌پایدار در صحنه‌ی سیاسی قفقاز جنوبی و ارائه‌ی یک مدل امنیتی جامع و همه‌جانبه باشیم، شاهد تشدید تهدیدهای امنیتی در منطقه مذکور هستیم.
۱۰	فرصت‌های پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز	جوادی‌حیدری- ۱۳۹۵		منطقه قفقاز از آن جهت که حوزه نفوذ تمدن ایران باستان است مورد بررسی قرار گرفته و به دنبال ایجاد راه‌کارهایی برای بهره‌برداری از این موضوع است.
۱۱	تأثیر روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل بر امنیت ملی ایران	علی امیدی و مصطفی خیری-۱۳۹۵	توصیفی-تحلیلی با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و اسنادی	با توجه به سیاست اتکا به قدرت هژمون از سوی کشورهای قفقاز، این احتمال وجود دارد که با حضور هرچه بیشتر اسرائیل در جمهوری آذربایجان، زمینه مساعدتری برای کاهش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز و آذربایجان فراهم شود. برای مقابله با این مسئله، نیاز است جمهوری اسلامی ایران نگاه واقع‌بینانه‌ای به مسائل جمهوری آذربایجان داشته باشد و در راستای افزایش اعتماد متقابل بین تهران و باکو تلاش کند.

با توجه به اینکه هدف اصلی این پژوهش سناریوهای آینده فرصت‌های توسعه سیاسی و اجتماعی دو کشور همسایه می‌باشد و این امر مستلزم بررسی شاخص‌های این دو مولفه در ادوار مختلف روابط دو کشور می‌باشد و به اصطلاح نیازمند یک نگاه دقیق‌تر و کامل‌تری به موضوع پژوهش دارد، بنابراین در بررسی پیشینه این پژوهش در حد و وسع نویسندگان این نتیجه حاصل شد

که هر یک از پژوهش‌های فوق به بررسی بخشی از این عنوان پرداخته‌اند و در واقع هر یک از پژوهش‌های فوق متناسب با موضوع در محدوده زمانی آن به بررسی و پژوهش پرداخته‌اند، لیکن برخی از پژوهش‌ها چندین سال از زمان نگارش آنها گذشته و به نظر می‌رسد در خصوص موارد و مناسبات و پیمان‌های جدید و آنچه طی مدت اخیر در این حوزه رخ داده، پژوهش و تالیف علمی به روزی موجود نیست و یا در مرحله تالیف می‌باشد. و این در حالی است که این منطقه با توجه به جذابیت‌های فراوان برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای (علی‌الخصوص قدرت‌های که با جمهوری اسلامی ایران در دشمنی تمام عیار هستند) دستخوش تغییر و تحول می‌باشد. اما این پژوهش در نظر دارد از منظر کلان و راهبردی به قصد بررسی وضعیت آینده دو مولفه سیاسی و اجتماعی به موضوع بپردازد.

چهارچوب نظری

تعاریف متعددی از سناریونویسی در آینده پژوهی انجام شده است که اغلب آن‌ها نزدیک به هم هستند. در تعریف شرکت شل، سناریو داستانی است که آینده‌های موجه را توصیف و رخدادهای مهم و بازیگران اصلی را شناسایی کرده و نشان می‌دهد که چه واکنش‌هایی در عمل می‌تواند اتفاق بیفتد. (حاجیانی و قصاب، ۱۳۹۲، ۴۵) به نظر گلن و گوردون سناریو داستانی است که رویدادهای آینده را با استفاده از روابط علی و منطقی به رویدادهای جهان امروز پیوند می‌زند. در سراسر این داستان، تصمیم‌ها و رویدادهای و پیامدهای مهم آن‌ها به تصویر کشیده می‌شود. سناریو مهارت اندیشیدن به آینده و قدرت تجسم و ابداع آینده‌های بدیل و مرجح را برای ما به ارمغان می‌آورد. (گلن و گوردون، ۱۳۹۱، ۶)

به نظر وایمر، روش‌های تحلیل اثر متقاطع ابزارهای استاندارد سناریونویسی هستند. آن‌ها تعدادی از فرایندهای ساختاری را برای کاهش تحولات باورپذیر آینده در شکل سناریوهای سخت و بر اساس قضاوت خبرگان در مورد تعاملات نظام مند فراهم می‌آورند. روش‌های تحلیل اثر متقاطع معمولاً برای کارهای تحلیلی استفاده می‌شوند که اجازه استفاده از مدل‌های محاسباتی مبتنی بر تئوری را به دلیل ناهمگنی انضباطی و ارتباط دانش سیستم "نرم" نمی‌دهد، اما از سوی دیگر برای تحلیل‌های سیستم کاملاً تحلیلی بیش از اندازه پیچیده هستند (weimer-

- 334-2006-jehle) ساختن سناریوها اغلب نیازمند بررسی تحولات در بسیاری از زمینه های مختلف (به عنوان نمونه، پیشرفت های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی یا فناورانه) است یکی از منظم ترین و منسجم ترین سناریونگاریها در مدتی طولانی، توسط شرکت شل انجام شد و متفکران این مجموعه و به ویژه پیتر شوارتز نقش مهمی در تبیین و توصیف فرایندی این روش داشته اند. بر اساس این روایت از فرایند سناریونگاری که کاربردی گسترده و چارچوبی مدون دارد، گام های پیاپی آفرینش مجموعه های از سناریوها به شرح زیر است:
۱. شناسایی مقاصد و تصمیمهایی که سناریوها برای اتخاذ آنها ساخته می شوند. به بیان دیگر باید انتظارات اصلی ذینفعان از فرایند سناریونگاری تدوین شود؛
 - فهرست کردن عوامل کلیدی موجود در محیط بیرونی احتمالاً مؤثر بر این تصمیم و نیروهای پیشران کلیدی احتمالاً مؤثر بر این عوامل؛
 - اولویت بندی و مرتب کردن عوامل و نیروهای پیشران کلیدی بر پایه درجه اهمیت آنها در موفقیت تصمیمها و درجه عدم قطعیت آنها؛
 ۲. تمیز و تفکیک حالات چندگانه و متفاوت بر حسب مهمترین نیروهای پیشران و عدم قطعیتها؛
 ۳. آغاز تعریف وضعیت و نتایج هر حالت در قالب یک داستان و تدوین سناریوها بر اساس «منطق سناریو» توسط اعضای گروه؛
 ۴. ارزیابی و تعیین میزان باورپذیری هر سناریو؛
 ۵. انتخاب نام یا استعارهای برای هر سناریو؛
 ۶. آزمون گزینه های سیاستگذاری (تصمیمها) در مقابل سناریوها؛
 ۷. در صورت لزوم، شناسایی و انتخاب شاخص های راهنما. (حاجیانی و قصاب، ۱۳۹۲، ۵۱)

روش شناسی تحقیق

در این پژوهش از بین روش های مختلفی سناریونویسی از روش شوارتز استفاده شده است. این روش شامل هشت گام می باشد. در گام اول؛ عوامل کلیدی موضوع بر اساس اسناد موجود شامل اسناد کتابخانه ای (کتاب، مقاله، پایان نامه)، سایت های مرتبط و... استخراج گردید. در گام دوم،

عوامل کلیدی تدقیق و تعداد ۳۸ مورد عامل کلیدی برای اخذ نظرات خبرگان آماده شد. در گام سوم این عوامل برای تدقیق شدن قبل از ارائه به خبرگان، توسط کارشناس ارشد این حوزه مورد بررسی مجدد قرار گرفت و عوامل در ۲۰ مورد تدقیق شده و آماده ارائه به خبرگان جهت اخذ نظراتشان شد. در گام چهارم در این مرحله عوامل کلیدی (۲۰ مورد) در جدول مربوطه تنظیم و جهت نظر سنجی به ۱۲ نفر خبره در حوزه مربوطه ارائه شد (۱- حضوری و به صورت مصاحبه‌ای ۲- ارسال و دریافت ۳- تماس تلفنی)، در گام پنجم؛ در دو ستون مجموع قطعاتها (مهم و غیر مهم) و مجموع عدم قطعیت‌های مهم ارائه گردید. در گام ششم بعد از تقلیل عدم قطعیت‌های مهم به سه مورد، تمامی حالت‌های عوامل کلیدی با استفاده از نظر خبرگان این حوزه، نوشته شد. در گام هفتم در این مرحله حالت‌های مختلف عدم قطعیت‌های مهم در هم ضرب و حالت‌های که با هم تناقض داشتند، حذف شدند و به ترتیب قطعیت‌های مهم و غیر مهم پشت نویسی شد. در گام هشتم بعد از بررسی پشت کارت‌ها و حذف هشت مورد از آنها به دلیل وجود تناقض در عوامل کلیدی، چهار مورد باقیمانده را برای نوشتن روی کارت و در واقع سناریو مربوطه با توجه به سوال اصلی پژوهش، آماده ارائه به خبره کرده و سناریوهای مربوطه با مشورت خبرگان نوشته شد. جامعه آماری این تحقیق تعداد ۱۲ نفر از کارشناسان موضوع روابط منطقه‌ای و آشنا به مسائل حوزه قفقاز هستند که عمده این افراد دارای مدرک تحصیلی دکتری بوده و در چندین مرحله از جمله سه مرتبه در دلفی و سه مرتبه در سناریو به صورت پانل خبرگانی و مصاحبه‌های نیمه ساختارمند به این افراد مراجعه شده است.

ردیف	عوامل کلیدی	منابع
۱	دین و مذهب مشترک	پایان نامه (کارآزما، ۱۳۹۱: ۷۳)
۲	اشتراکات تاریخی و فرهنگی	پایان نامه (کارآزما، ۱۳۹۱: ۹۲)
۳	عامل همسایگی و همجواری	پایان نامه (کارآزما، ۱۳۹۱: ۹۵)
۴	رژیم حقوقی دریای خزر	پایان نامه (کارآزما، ۱۳۹۱: ۱۱۳)
۵	آرمان آذربایجان بزرگ (پان ترکیسم)	پایان نامه (کارآزما، ۱۳۹۱: ۱۵۵)
۶	ارتباط با ناتو	پایان نامه (کارآزما، ۱۳۹۱: ۹۸)
۷	روابط با آمریکا	پایان نامه (فرخی، ۱۳۸۹: ۵۵)
۸	روابط با اسرائیل	پایان نامه (فرخی، ۱۳۸۹: ۷۱)
۹	تجانس جمعیتی	پایان نامه (کارآزما، ۱۳۹۱: ۹۱)

ردیف	عوامل کلیدی	منابع
۱۰	مناقشه قره‌باغ	پایان نامه (کارآزما، ۱۳۹۱: ۱۲۳)
۱۱	نفوذ اسرائیل	کتاب (نوری، ۱۳۹۵: ۱۰۵)
۱۲	روابط با ترکیه	پایان نامه (فرخی، ۱۳۸۹: ۹۰)
۱۳	شیعیان	کتاب (رضایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۵)
۱۴	اختلافات مرزی (بیشتر مرز آبی مد نظر است)	مقاله (بازدار و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۹)
۱۵	نظام سکولار حاکم بر آذربایجان	مقاله (بازدار و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۱)
۱۶	تمرکز گرایی قدرت در حکومت آذربایجان	مقاله (بازدار و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۲)
۱۷	منابع و ذخائر مشترک	مقاله (بازدار و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۳)
۱۸	تبادل تجاری مرزنشینان	مقاله (مومنی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۷)
۱۹	تاکید ایران بر اسلام و دین در روابط با کشورهای همسایه	مقاله (حسین پور، ۱۳۹۹: ۱۰۸)
۲۰	گرایش غرب گرایی جمهوری آذربایجان	مقاله (حسین پور، ۱۳۹۹: ۱۰۸)
۲۱	نگاه درون منطقه‌ای ایران و برون منطقه‌ای آذربایجان در حوزه امنیت	مقاله (حسین پور، ۱۳۹۹: ۱۰۸)
۲۲	نگاه تاریخی منفی دو کشور به همدیگر	مقاله (موسوی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸)
۲۳	نگاه آذربایجان ملی در تفکر حکومت آذربایجان	مقاله (شیاری و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۱۲)
۲۴	نگاه واگرایی سیاست خارجی آذربایجان به کشورهای منطقه از جمله ایران	مقاله (ثریا، ۱۳۸۹: ۲۵)
۲۵	رابطه ایران با ارمنستان	مقاله (علیخانی و خرقانی، ۱۳۹۷)
۲۶	تصویب قانون جدایی دین از سیاست در آذربایجان	مقاله (علیخانی و خرقانی، ۱۳۹۷)
۲۷	سرکوب فعالان اسلامی در آذربایجان به جرم جاسوسی و ارتباط با ایران	مقاله (علیخانی و خرقانی، ۱۳۹۷)
۲۸	تامین آزادی عمل بیشتر برای گروه‌های پان ترک‌گرا در آذربایجان	مقاله (علیخانی و خرقانی، ۱۳۹۷)
۲۹	انجام تبلیغات منفی در رسانه‌های گروهی دولتی و غیر دولتی آذربایجان بر علیه ایران	مقاله (علیخانی و خرقانی، ۱۳۹۷)

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش براساس روش سناریونویسی پیتز شوارتز، در گام اول با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در منابع کتابخانه‌ای و تطبیق این اطلاعات با داده‌های صاحب‌نظران و خبرگان حوزه پژوهش حاضر، ۲۹ عامل به عنوان عوامل کلیدی و تاثیر گذار (قطعی و غیرقطعی) در روابط دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان استخراج گردید. در گام دوم، بعد از استخراج عوامل کلیدی موضوع مورد بررسی (به صورت کلی توسط پژوهشگر)، این عوامل برای دقیق شدن قبل از ارائه به خبرگان (جهت کسب نظر)، توسط کارشناس این حوزه مورد بررسی مجدد قرار گرفت و عوامل در ۲۰ مورد (در دو بعد و پنج مولفه) مطابق جدول زیر آماده ارائه به خبرگان جهت اخذ نظر ایشان شد.

ردیف	عوامل کلیدی
۱	هم مرز بودن دو کشور - رژیم حقوقی دریای خزر و و امنیتی کردن دریای خزر توسط آذربایجان - روابط آذربایجان با ترکیه - حاکمیت نظام سکولار در آذربایجان - رابطه ایران با ارمنستان - سرکوب فعالان اسلامی در آذربایجان به جرم جاسوسی و ارتباط با ایران - انجام تبلیغات منفی در رسانه‌های گروهی دولتی و غیر دولتی آذربایجان بر علیه ایران
	تبادل تجاری مرزنشینان
	اشتراکات تاریخی و فرهنگی - فعالیت آزادانه بهائیان - زبان مشترک.
	مواضع شیعیان آذربایجان نسبت به جمهوری اسلامی ایران
	تفاوت نگاه دو کشور به نحوه برقراری امنیت در منطقه - تامین آزادی عمل بیشتر برای گروه‌های پان ترکسم در آذربایجان.
۲	گرایش غرب گرایانه حاکمان جمهوری آذربایجان - روابط ایران با ارمنستان.
	نگاه منفعت‌گرایانه و اقتصادی غرب به آذربایجان (نفت و گاز، شاه راه اقتصادی)
	روابط با رژیم صهیونیستی - روابط رو به گسترش با آمریکا - ایجاد پایگاه‌های نظامی توسط آمریکا و اسرائیل در کشور آذربایجان - فروش زمین‌های کشاورزی به یهودیان در مرز با ایران جهت بهربرداری امنیتی اعم از کار گذاشتن دستگاه‌های شنود و رادار، خرید تسلیحات نظامی جدید و پیشرفته

در مرحله سوم، عوامل کلیدی (۲۰ مورد) در جدول مربوطه تنظیم و جهت نظر سنجی به ۱۲ نفر خبره در حوزه مربوطه ارائه شد (۱- حضوری و به صورت مصاحبه‌ای ۲- ارسال و دریافت ۳- تماس تلفنی)، که براساس جدول (ضمیمه) نتایج جمع‌بندی شد. در گام چهارم از نتایج پرسشنامه‌ها براساس میزان تاثیر و جهت روند هر یک از عوامل کلیدی موثر بر موضوع اصلی، با توجه به نظرات خبرگان که در مرحله قبلی اخذ شده بود، خروجی گرفتیم و در مرحله پنجم، بر اساس، خروجی مرحله قبل را در دو ستون مجموع قطعاتها (مهم و غیر مهم) و مجموع عدم قطعیت‌های مهم مطابق جدول زیر تنظیم کردیم.

مجموع قطعاتها (مهم و غیر مهم)	مجموع عدم قطعیت‌های مهم
۱- هم مرز بودن ۲- رژیم حقوقی دریای خزر و امنیتی کردن دریای خزر توسط آذربایجان ۳- روابط آذربایجان با ترکیه ۴- حاکمیت نظام سکولار در آذربایجان ۵- رابطه ایران با ارمنستان ۶- سرکوب فعالان اسلامی در آذربایجان به جرم جاسوسی و ارتباط با ایران ۷- تبادل تجاری مرزنشینان ۸- فعالیت آزادانه بهائیان ۹- تفاوت نگاه دو کشور به نحوه برقراری امنیت در منطقه ۱۰- تامین آزادی عمل بیشتر برای گروههای پان ترکیسم در آذربایجان ۱۱- گرایش غرب گرایانه حاکمان جمهوری آذربایجان ۱۲- نگاه منفعت‌گرایانه و اقتصادی غرب به آذربایجان (نفت و گاز، شاه راه اقتصادی) ۱۳- روابط رو به گسترش با رژیم صهیونیستی ۱۴- روابط رو به گسترش با آمریکا ۱۵- ایجاد پایگاه‌های نظامی توسط آمریکا و اسرائیل در کشور آذربایجان ۱۶- فروش زمین‌های کشاورزی به یهودیان در مرز با ایران جهت بهره‌برداری امنیتی اعم از کار گذاشتن دستگاههای شنود و رادار، خرید تسلیحات نظامی جدید و پیشرفته	۱- انجام تبلیغات منفی در رسانه‌های گروهی دولتی و غیر دولتی آذربایجان بر علیه ایران ۲- اشتراکات تاریخی و فرهنگی ۳- زبان مشترک ۴- مواضع شیعیان آذربایجان نسبت به جمهوری اسلامی ایران ♦♦♦ با بررسی علت العلل عوامل فوق و با نگاهی به تقسیم‌بندی ابتدایی این عوامل در جدول ابتدایی (دو بعد و پنج مولفه) به این نتیجه می‌رسیم که جنس عامل دوم و سوم یکی است، پس مجموع عدم قطعیت‌های مهم به سه مورد تقلیل پیدا می‌کند. پس  ۱- انجام تبلیغات منفی در رسانه‌های گروهی دولتی و غیر دولتی آذربایجان بر علیه ایران ۲- اشتراکات تاریخی و فرهنگی ۳- مواضع شیعیان آذربایجان نسبت به جمهوری اسلامی ایران

در مرحله ششم، بعد از تقلیل عدم قطعیت‌های مهم به سه مورد، تمامی حالت‌های این عوامل کلیدی را با استفاده از نظر خبرگان این حوزه، می‌نویسیم.

ردیف	عدم قطعیت‌های مهم	حالت‌های عدم قطعیت‌های مهم
۱	انجام تبلیغات منفی در رسانه‌های گروهی دولتی و غیر دولتی آذربایجان بر علیه ایران	۱- ادامه روند تبلیغات فراگیر منفی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران ۲- اقتضایی بودن روند عملکرد رسانه‌ها (منفی یا مثبت)، متناسب با نوع رابطه آذربایجان و ایران ۳- تبلیغات توجیه‌کننده رفتار و گرایش دولت آذربایجان به جمهوری اسلامی ایران
۲	اشتراکات تاریخی و فرهنگی	۱- تقویت پان‌ترکیسم و تحریک و هدایت آذرهای ایران برای اقدام علیه حاکمیت ایران ۲- توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و ایجاد وابستگی یا حداقل رفع نیازهای عمومی آذربایجانی‌ها در ایران
۳	مواضع شیعیان آذربایجان نسبت به جمهوری اسلامی ایران	۱- تضعیف و از بین رفتن اصول و مبانی مذهب شیعه اثنی عشری و در حد شعار باقی ماندن آن در جامعه آذربایجان ۲- تقویت و توسعه مبانی ارزشی شیعه حقیقی نه شیعه با قرانت آمریکایی

در مرحله هفتم حالت‌های مختلف عدم قطعیت‌های مهم را در هم ضرب و حالت‌های که با هم تناقض داشتند را حذف کردیم و شروع به نوشتن پشت کارت‌ها با ترتیب قطعیت‌های مهم و غیر مهم و در کادر پایین پشت کارت عدم قطعیت‌های مهم، کردیم و مرحله آخر یعنی گام هشتم با حذف کارت‌های که دارای تناقض بودند، نهایتاً با نظر خبرگان به سه سناریو مطلوب، ممکن و محتمل رسیدیم که در ادامه به آن می‌پردازیم.

داستان سناریوهای پیش روی آینده روابط ایران و جمهوری آذربایجان

درباره آینده روابط دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان می‌توان سناریوهای گوناگون و خوش‌بینانه‌ای مطرح نمود. از جمله سناریوهای با عناوین همزیستی مسالمت‌آمیز و آتش زیر خاکستر. در نوشتار حاضر سعی بر آن است که با توجه به عوامل کلیدی

تأثیر گذار (قطعی و غیر قطعی) و واقعیت‌های موجود در ساحت عمل، پس از بیان آینده مطلوب روابط دو کشور، سناریوهای ممکن و محتمل در آینده مطرح گردد.

سناریوی اول (آینده مطلوب)

در بررسی آینده‌ی روابط دو کشور، آنچه آینده مطلوب به نظر می‌رسد، تقویت روابط دو کشور در حوزه‌های اقتصادی و به تبع آن در سایر حوزه‌ها، البته با در نظر گرفتن ملاحظات خودشان.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در روابط رو به گسترش جمهوری آذربایجان با غرب به خصوص کشور آمریکا و همچنین گسترش و نفوذ رژیم صهیونیستی در این کشور و اجازه فعالیت آزادانه به این رژیم منحوس برای فعالیت علیه جمهوری اسلامی از طریق خاک آذربایجان، به نظر می‌رسد در ادامه حاکمیت کشور جمهوری آذربایجان به اشتباه راهبردی خود در راستای تامین امنیت خود و منطقه (نگاه برون منطقه‌ای آذربایجان) و حل مناقشه قره‌باغ پی‌برده و با کاهش تبلیغات منفی در رسانه‌های حاکمیتی خود علیه جمهوری اسلامی ایران، در صدد تقویت روابط خود با کشورهای همسایه بالاخص جمهوری اسلامی ایران برآمده و جمهوری اسلامی ایران نیز متقابلاً به فکر توسعه روابط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی خود با کشور آذربایجان خواهد افتاد که در این صورت به نظر می‌رسد آینده روابط جمهوری اسلامی ایران و کشور جمهوری آذربایجان در حوزه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی رو به بهبودی خواهد گذاشت و هر دو کشور در ادامه در راستای مستحکم کردن روابط خود فعالیت‌های مثبتی را در حوزه‌های مختلف مخصوصاً اقتصادی انجام خواهند داد.

سناریوی دوم

در بررسی آینده‌ی روابط دو کشور، آنچه آینده ممکن به نظر می‌رسد، این است که، روابط دو کشور سیر نزولی به خود خواهد گرفت و دو کشور به شدت فعالیت‌های همدیگر را رصد خواهند کرد تا در صورت لازم واکنش نشان دهند.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در عوامل موثر در روابط دو کشور به نظر می‌رسد، اگر تبلیغات اقتصادی رسانه‌ای توسط کشور آذربایجان علیه جمهوری اسلامی همچنان ادامه داشته

باشد و در ادامه، در صورتی که صبغه منفی علیه ایران به خود بگیرد، این امر باعث باعث تضعیف و از بین رفتن برخی عوامل همگرا (تجانس دینی و تجانس زبانی) و حتی احتمال تبدیل آن‌ها به عوامل واگرا در روابط دو کشور شده و در ادامه به احتمال زیاد جمهوری اسلامی ایران به صورت محتاطانه و البته با دقت در پی رصد این روند خواهد بود که در صورت شدت و سازماندهی اقدامات مداخله‌جویانه و خصمانه، دست به فعالیت‌هایی در جهت خنثی‌سازی و حتی مقابله به صورت محدود خواهد زد که در این صورت به نظر می‌رسد آینده روابط جمهوری اسلامی ایران و کشور جمهوری آذربایجان در حوزه‌های مختلف در ۱۰ سال اخیر سیر نزولی خواهد داشت و دو کشور به صورت خیلی دقیق و حساب‌شده فعالیت‌های همدیگر را رصد خواهند کرد که در صورت اقدام علیه یکدیگر، در سطوح مختلف (حتی در حد مصاحبه) واکنش نشان دهند.

سناریوی سوم

در بررسی آینده‌ی روابط دو کشور، آنچه آینده‌ی محتمل به نظر می‌رسد، روابط دو کشور رو به سردی گرایش پیدا خواهد کرد و احتمالاً در برخی موارد دو کشور اقداماتی را به صورت محدود بر علیه هم انجام بدهند.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در عوامل موثر در روابط دو کشور به نظر می‌رسد، اگر همچنان تبلیغات منفی (داخلی و خارجی) توسط کشور آذربایجان علیه جمهوری اسلامی روند صعودی داشته باشد، این روند باعث تضعیف و از بین رفتن برخی عوامل همگرا (تجانس دینی و تجانس زبانی) و حتی احتمال تبدیل آن‌ها به عوامل واگرا در روابط دو کشور شده و در ادامه جمهوری اسلامی ایران به صورت حساب‌شده دست به فعالیت‌های در جهت خنثی‌سازی و حتی مقابله به صورت محدود خواهد زد بنابراین به نظر می‌رسد دو کشور روابط خود را به خاطر برخی ملاحظات فقط به صورت ظاهری حفظ خواهند کرد.

نتیجه‌گیری

بررسی روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری آذربایجان نشان دهنده آن است که روابط دو طرف در ابتدا دوستانه و در سطحی بود که ایران را در جایگاه مناسبی برای شریک آذربایجان قرار می‌داد، اما این روابط به تدریج دچار چالش‌هایی شده است. با توجه به شیعه بودن کشور

جمهوری آذربایجان و مد نظر قرار دادن همسایگی (هم‌مرز بودن) و پیوندهای مذهبی، تاریخی و فرهنگی جمعیت آن با ایرانیان، روابط دو کشور از پتانسیل خوبی برخوردار است، در حالی که بررسی‌ها نشان دهنده آن است که روابط دو کشور در طول زمان و بر اثر اقدامات دو طرف رو به سردی گذاشته است. بنابراین به نظر می‌رسد اقداماتی از قبیل گسترش همکاری‌های جمهوری آذربایجان با آمریکا و گسترش روابط این کشور با رژیم منحوس صهیونیستی، سرکوب فعالان اسلامی به جرم جاسوسی و همکاری با ایران، حمایت از نیروهای پان‌ترکیستی مخالف ایران، انجام تبلیغات منفی رسانه‌ای بر علیه ایران، ترویج اسلام با قرائت غربی و گسترش روابط ایران و ارمنستان از عواملی هستند که باعث تیرگی روابط بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان در ابعاد مختلف شده است.

بنابراین با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در این پژوهش و استخراج عوامل قطعی و غیر قطعی تاثیر گذار در آینده روابط سیاسی و اجتماعی دو کشور و طی مراحل هشت‌گانه سناریونویسی شوارتز این جمع‌بندی حاصل می‌شود که براساس نظر خبرگان و صاحب‌نظران حاضر در این پژوهش سه سناریو مطلوب، ممکن و محتمل پیش روی روابط دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان می‌باشد که سناریو مطلوب با نظر خبرگان بنام سناریوی هم‌زیستی مسالمت آمیز، سناریوی ممکن بنام سناریوی رصد با دقت و حرکت محتاطانه و سناریوی محتمل بنام آتش زیر خاکستر نامگذاری شد. سناریو مطلوب عبارتست از اینکه با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در خصوص عوامل تاثیر گذار در روابط دو کشور، به نظر می‌رسد، مناقشه قره‌باغ به عنوان مهمترین مسئله و دغدغه کشور جمهوری آذربایجان، تمامی عملکرد این کشور را از زمان فروپاشی شوروی و استقلالش تحت تاثیر خود قراردادده است. به طوری که با نگاهی گذرا به سیاست خارجی، روابط اقتصادی، سیاسی، نظامی و ... این کشور، می‌توان به نقش این عامل مهم و تاثیر گذار پی‌برد. بنابراین با توجه به روابط رو به گسترش جمهوری آذربایجان با غرب به خصوص کشور آمریکا و همچنین گسترش و نفوذ رژیم صهیونیستی در این کشور و اجازه فعالیت آزادانه به این رژیم منحوس برای فعالیت علیه جمهوری اسلامی از طریق خاک آذربایجان، به نظر می‌رسد در ادامه حاکمیت کشور جمهوری آذربایجان به اشتباه راهبردی خود در راستای تامین امنیت خود و منطقه (نگاه برون منطقه‌ای آذربایجان) و حل مناقشه قره‌باغ پی‌برده

و با کاهش تبلیغات منفی در رسانه‌های حاکمیتی خود علیه جمهوری اسلامی ایران، در صدد تقویت روابط خود با کشورهای همسایه بالاخص جمهوری اسلامی ایران برآمده و جمهوری اسلامی ایران نیز متقابلاً به فکر توسعه روابط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی خود با کشور آذربایجان خواهد افتاد که در این صورت به نظر می‌رسد آینده روابط جمهوری اسلامی ایران و کشور جمهوری آذربایجان در حوزه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی رو به بهبودی خواهد گذاشت و هر دو کشور در ادامه در راستای مستحکم کردن روابط خود فعالیت‌های مثبتی را در حوزه‌های مختلف، مخصوصاً اقتصادی انجام خواهند داد و سناریوی ممکن پیش‌روی روابط دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان عبارتست از اینکه با توجه به روابط رو به گسترش جمهوری آذربایجان با غرب به خصوص کشور آمریکا و همچنین گسترش و نفوذ رژیم صهیونیستی در این کشور و اجازه فعالیت آزادانه به این رژیم برای فعالیت علیه جمهوری اسلامی از طریق خاک آذربایجان علیه جمهوری اسلامی ایران به نظر می‌رسد، در صورتی که تبلیغات اقتصادی رسانه‌ای توسط کشور آذربایجان علیه جمهوری اسلامی همچنان ادامه داشته باشد و در ادامه این روند صبغه منفی علیه ایران به خود بگیرد، این امر باعث باعث تضعیف و از بین رفتن برخی عوامل همگرا (تجانس دینی و تجانس زبانی) و حتی احتمال تبدیل آن‌ها به عوامل واگرا در روابط دو کشور شده و در ادامه به احتمال زیاد جمهوری اسلامی ایران به صورت محتاطانه و البته با دقت در پی رصد این روند خواهد بود که در صورت شدت و سازماندهی اقدامات مداخله‌جویانه و خصمانه، دست به فعالیت‌هایی در جهت خنثی‌سازی و حتی مقابله به صورت محدود خواهد زد که در این صورت به نظر می‌رسد آینده روابط جمهوری اسلامی ایران و کشور جمهوری آذربایجان در حوزه‌های مختلف در ۱۰ سال اخیر سیر نزولی خواهد داشت و دو کشور به صورت خیلی دقیق و حساب‌شده فعالیت‌های همدیگر را رصد خواهند کرد که در صورت اقدام علیه یکدیگر، در سطوح مختلف (حتی در حد مصاحبه) واکنش نشان دهند.

اما سناریو محتمل پیش روی روابط دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان عبارتست از اینکه باتوجه به بررسی‌های صورت گرفته در خصوص عوامل تاثیر گذار در روابط دو کشور، به نظر می‌رسد به نظر می‌رسد، اگر همچنان تبلیغات منفی (داخلی و خارجی) توسط کشور آذربایجان علیه جمهوری اسلامی روند صعودی داشته باشد، این روند باعث تضعیف و از بین رفتن برخی عوامل همگرا (تجانس دینی و تجانس زبانی) و حتی احتمال تبدیل آن‌ها به عوامل واگرا در روابط دو کشور شده و در ادامه دولت آذربایجان درصدد تحریک آذرهای‌های کشور ایران علیه حاکمیت بر خواهد آمد که به احتمال زیاد جمهوری اسلامی ایران به صورت حساب شده دست به فعالیت‌های در جهت خنثی‌سازی و حتی مقابله (به صورت محدود) خواهد زد که در این صورت به نظر می‌رسد آینده روابط جمهوری اسلامی ایران و کشور جمهوری آذربایجان در ده سال اخیر رو به تاریکی خواهد گذاشت و دو کشور روابط خود را به خاطر برخی ملاحظات فقط به صورت ظاهری حفظ خواهند کرد.

بنابراین بیان این مطلب لازم و ضروری به نظر می‌رسد که رقابت راهبردی جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی و حمایت پدران آمریکا از آذربایجان کلیه روابط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بین تهران-باکو را می‌تواند در آینده تحت شعاع خود قرار دهد. در مقابل احترام به استقلال و حق حاکمیت دو طرف و رعایت حسن همجواری در عین پاسداشت رشته‌های پیوند و برادری و تغییر و تصحیح نگرش مردم جمهوری آذربایجان نسبت به ایرانیان و در کل رهیافت ایجاد بستر گفتگو بین دو کشور می‌تواند چشم‌انداز مثبتی از بهبود و توسعه روابط دو کشور و فرهنگ نزدیک در آینده باشد.

در خصوص راه کارهای رسیدن به روابط مطلوب در آینده دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان متناسب با سناریوهای پیش رو، به نظر می‌رسد که چشم انداز روابط تهران و باکو تابع مجموعه شرایط سیاسی، منطقه‌ای، ژئوپلیتیک و امنیتی بین دو کشور است. ولی اقتضای همسایگی و اراده سیاسی مبتنی بر توسعه روابط سیاسی و اجتماعی می‌تواند عمق بیشتری به همکاری‌های دو کشور ببخشد.

حلقه اتصال توسعه کشورهای ایران - آذربایجان (چه توسعه اجتماعی، چه سیاسی و چه...)، تجارت بین الملل است. یعنی توسعه روابط سیاسی و اجتماعی با تجارت ممکن است. از جمله راهکارهای رسیدن به این توسعه (سناریوی مطلوب) می توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱- تقویت همکاری های دوجانبه اقتصادی از جمله همکاری های بازرگانی و حمل و نقل

۲- انعقاد قراردادهای صنعتی، معدنی و تولیدی

۳- تقویت تجارت بین الملل بین ایران و آذربایجان (به صورت کلان)

۴- تقویت نهادهای مالی و بانکی

۵- ایجاد و توسعه همکاری های علمی، دانشگاهی، دانش بنیان

۶- تقویت و توسعه خدمات پزشکی

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- بخش اقتصادی سفارت جمهوری اسلامی ایران - باکو - تاریخ: ۲/ خرداد ماه ۱۳۹۹
- پوراحمدی مبینی، حسین؛ پدین، محمد. (۱۳۹۹) عوامل تاثیرگذار بر روابط ج.ا.ایران و ج. آذربایجان از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۶، نشریه: رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۶۱.
- ثریا؛ جمشید، (۱۳۸۹). همگرایی منطقه ای قفقاز جنوبی: موانع و چالشها از منظر جمهوری اسلامی، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، ۱۹۷-۱۶۹.
- حاجبانی؛ ابراهیم، محمود قصاب، (۱۳۹۲). آینده و سناریونگاری؛ طبقه‌بندی روشها و دسته بندی سناریوها، حسین پور، زهرا، (۱۳۹۹) واکاوی عوامل تاثیرگذار بر روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان (ابعاد و رویکردها)، نشریه مطالعات منافع ملی، شماره ۲۲.
- حسین پور، زهرا، (۱۳۹۹)، واکاوی عوامل تاثیرگذار گذار بر روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان (ابعاد و رویکردها، تهران، نشریه مطالعات منافع ملی، شماره ۲۲، ص ۹۱-۱۱۲
- حیدری؛ غلامحسین، (۱۳۹۰). جایگاه ژئوپلیتیک قفقاز در سیاست قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌الملل، شماره ۷، ۲۴۵-۲۰۷.
- خلیلی، محسن و همکاران (۱۳۹۱). ژنوم‌های ژئوپلیتیک مؤثر در سیاست خارجی ایران و جمهوری آذربایجان، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۳، ص ۴۳-۷۶.
- رنجبر حیدری، وحید؛ قربانی، ارسلان؛ نسیم بر، رضا؛ حاجبانی، ابراهیم، (۱۳۹۸). آینده پژوهی روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس در افق ۱۴۰۴، نشریه: پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۲۹.
- روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۴/۸/۹
- عباسی؛ مجید و سید محمدرضا موسوی، (۱۳۹۲). روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی، شماره ۲، ص ۸۰-۶۱.
- علیخانی، مهدی؛ کریمی خرقانی، حسین. (۱۳۹۷)، تاثیر منافع ملی ایران بر روابط ایران و آذربایجان در سده بیست و یکم، نشریه مطالعات منافع ملی، شماره ۱۲.
- قوام، سیدعبدالعلی، (۱۳۸۸)، روابط بین‌الملل؛ نظریه‌ها و رویکردها، چاپ پنجم، انتشارات سمت، تهران.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۷). ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایران، تهران، انتشارات نی.
- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۹۰)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ ششم، انتشارات سمت، تهران.
- موسوی شهیدی، سید مهدی؛ احمدی کروج، سید عباس، (۱۳۹۸)، زمینه‌های تعامل، رقابت و تنش در روابط ژئوپلیتیکی ایران و آذربایجان و ارائه مدل پیشنهادی، نشریه: روابط خارجی، شماره ۴۲.

- موسوی؛ سیدمحمد و همکاران، (۱۳۹۲). سیاست خارجی ایران در قبال جمهوری آذربایجان، اولین همایش ملی ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا.
- میرعبدلی، محمد؛ خراسانی، رضا، (۱۳۹۸). آینده پژوهی جریان‌های سلفی - تکفیری در دوره پساداعش، نشریه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۳۰.
- نصری مشکین؛ قدیر، (۱۳۷۹). چالش‌ها و بایسته‌های تحرک جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۹، ص ۸۶.
- نگاه استراتژیک اسرائیل به جمهوری آذربایجان، ۲۲ مهر ۱۳۸۹ <http://mahtabnews.blogfa.com/post-1768.aspx>
- واحدی، الیاس (۱۳۸۶). برآورد استراتژیک آذربایجان، تهران، دفتر مطالعات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ولیقلی زاده، علی (۱۳۸۸)، طرح پژوهشی بررسی جایگاه و مزیت‌های اقتصادی ایران برای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و...، منطقه آزاد تجاری - اقتصادی ارس. فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال دوم، پاییز ۹۲، شماره هشتم، ص ۶۲-۳۳.

پایان نامه:

- عنوان پایان نامه: الگوی مطلوب همگرایی منطقه‌ای در حوزه همسایگان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، استاد راهنما: خانی، محمدحسن، دانشجو: بشیری لحافی، میثم، (۱۳۹۶)، دانشگاه دانشگاه امام صادق (ع).
- عنوان پایان نامه: چالش‌های امنیتی قفقاز و تأثیر آن بر ایران (۱۹۹۲-۲۰۰۳) ملاحظات تاریخی، استاد راهنما: حضرتی، حسن، دانشجو: طهماسبی نسب، کیومرث، (۱۳۹۶)، دانشگاه دانشگاه تهران.
- عنوان پایان نامه: بررسی عوامل همگرایی و اگرایی در روابط ج.ا. ایران و ج. آذربایجان، استاد راهنما: بیات، درویشعلی، دانشجو: کارآزما، مهدی، (۱۳۹۶)، دانشگاه دانشگاه تهران.
- عنوان پایان نامه: نقش اسرائیل در افزایش تضاد های سیاسی ایران و آذربایجان، استاد راهنما: اسماعیلی، محمد مهدی، دانشجو: حسینی عتیق، سید یاسر، (۱۳۹۳)، دانشگاه دانشگاه تهران.

منابع لاتین:

- Nassibli, Nasib, Azerbaijan- Iran Relations: Challenges and Prospects (Event Summary), Event Report, Kennedy School of Government, Harvard University, http://belfercenter.ksg.harvard.edu/publication/12750/azerbaijan_iran_relations.html
- Azerbaijan, Iran Sign Gas Contract," Tehran Times, January 14, 2010, http://www.tehrantimes.com/index_View.asp?code=212156 (January 19, 2010)
- Nassibli, Nasib, Azerbaijan- Iran Relations: Challenges and Prospects (Event Summary), Event Report, Kennedy School of Government, Harvard University, http://belfercenter.ksg.harvard.edu/publication/12750/azerbaijan_iran_relations.html
- Azerbaijan, (2008), Independent Islam and the State, Crisis Group Europe Report, No 191, 25 March.

Valiyer Anar, (2005) "Azerbaijan: Islam in a Post – Soviet Republic", Middle East-Review of International Affairs, Vol 9, No.4, pp.1-13.

